



بهتر است آمریکا زودتر منطقه را ترک کند



علی نیکزاد

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی

ویژه

علی نیکزاد، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، در جلسه علنی مجازی روز سه‌شنبه ۱۷ شهریور مجلس در نطق پیش از دستور خود بیان کرد: فرا رسیدن یوم الله ۱۷ شهریور را که نماد شجاعت، مقاومت و ایستادگی ملت بزرگ ایران است، گرامی داشته و یاد همه شهدا به ویژه امام شهدا را گرامی می‌داریم؛ روزی که گروهی از مردم ایران لیبیک گویان به دیار باقی شتافتند و با شهادت خویش زمینه ساز پیروزی انقلاب خود را فراهم کردند. فرا رسیدن این روز را گرامی می‌دارم و به روح پرفتوح امام راحل، رهبر شهید انقلاب و تمام شهدای جنگ تحمیلی به ویژه شهدایی که اخیراً در حمله آمریکا به مجلس عروسی در سیریک به مقام شهادت رسیدند، درود می‌فرستیم.

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: در این جنایت آمریکایی، به هیچ وجه اشتباه فنی قابل توجیه نیست. نوع موشک به کار رفته و فاصله دکل مخابرات تا مراسم عروسی ثابت می‌کند که این یک جنایت جنگی است. وجدان‌های بیدار در سراسر جهان امروز با وضوح می‌بینند و قضاوت می‌کنند که آمریکا با علم و تکنولوژی خود یک مجلس عروسی را به عزا تبدیل می‌کند. وی تأکید کرد: اگر بگوییم و بپذیریم که این یک اشتباه فنی بوده است، اثبات می‌شود که این عقاب کاغذی، کلاغی بیش نیست، چرا که تمام مراکز حساس آنها در منطقه مورد اصابت قرار گرفته و موشک‌های فوق پیشرفته آنها با ۳۰۰ متر اختلاف به یک مجلس عروسی برخورد می‌کند. رئیس‌جمهور آمریکا بیش از آنکه شعار عظمت را به آمریکا بازگردانیم سر دهد، امروز باید این شعار را سر دهد که چطور شکست‌های مفتضحانه خود را بپوشانیم. نیکزاد بیان کرد: جمهوری اسلامی ایران این جنگ را مبتنی بر طراحی دقیق و تاکتیک پیش می‌برد و همزمان از همه توان و تاکتیک‌های خود استفاده نمی‌کند و در عین حال ابزارها و تاکتیک‌های خود را به روز می‌کند. وی ادامه داد: آنچه در هدف قرار گرفتن ناو جنگی آمریکا و همچنین مقرهای فرماندهی آنها در منطقه مشاهده شد، گوشه‌ای از این توانمندی نیروهای مسلح ایران است. توصیه بنده به مقامات آمریکایی این است بیش از آنکه آبروی نداشته خود را بر باد دهید، هر چه زودتر منطقه را ترک کنید. نیکزاد گفت: امروز با هدف قرار گرفتن مقرهای فرماندهی آمریکا در منطقه، مجبور شدند در هتل‌ها آواره شوند و با مشاهده افسردگی و خودکشی سربازهای خود مجبور شدند در سواحل تایلند پهلوی بگیرند. پیشنهاد ما به شما این است که هرچه زودتر از این جنگ خارج شوید، چرا که این جنگ عرصه مگس‌ها نیست.

«لایحه مقابله با جنایات بین‌المللی»

روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام

هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در جلسه امروز خود، به بررسی مصوبه مجلس درباره «لایحه مقابله با جنایات بین‌المللی» با سیاست‌های کلی نظام پرداخت.

به نقل از مرکز رسانه و روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام، در جلسه روز ۱۷ شهریور ۱۴۰۵ هیئت عالی نظارت که به ریاست عباسعلی کدخدایی سرپرست دبیرخانه مجمع و با حضور اکثریت اعضا و نمایندگان روسای سه قوه و معاون وزیر دادگستری برگزار شد، مصوبه «لایحه مقابله با جنایات بین‌المللی» مورد بررسی قرار گرفت.

در ابتدای این جلسه، پس از اظهارات چند عضو مجمع در موضوع ضرورت تصویب قانونی با عبارات و ادبیات حقوق بین‌الملل برای پیگیری جنایات جنگی و طرح دعوی قضایی در محاکم داخلی و مجامع بین‌المللی، گزارش دفتر هیئت عالی نظارت و کمیسیون حقوقی و قضایی مجمع پیرامون مغایرت‌های این مصوبه با سیاست‌های کلی نظام ارائه شد.

در ادامه پس از استماع نظر نمایندگان سران قوا، اعضای مجمع به تبادل نظر پیرامون مواد این مصوبه پرداختند.

در ابتدای این جلسه، کدخدایی سرپرست دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره سالروز قیام خونین هفدهم شهریور، این روز را یادآور خروش مردم مسلمان تهران و دیگر شهرها به پیروی از بنیانگذار انقلاب اسلامی بر علیه ظلم و ستم رژیم سفاک پهلوی دانست و یاد و خاطر شهدای نهضت اسلامی، امام شهیدان و امام شهید و اعضای شهید مجمع تشخیص مصلحت نظام را گرامی داشت.

پاداش جاسوسی گروسی

رافائل گروسی: درباره نامزدی برای دبیرکلی سازمان ملل خوش بین هستم

طائب: ابهت ارتش آمریکا شکست

شکار Dive-LD در تنگه هرمز



کوه کلنگ

عادی سازی حمله به تأسیسات هسته‌ای چه پیامدی دارد؟

«بساز بنداز»

بر «دقت در عمل» غلبه کرده است؟

تخصیص بنزین به کد ملی

مسکن موقت یا راه حل ناترازی سوخت؟



کوه کلنگ؛ عادی‌سازی حمله به تأسیسات

■ کوه کلنگ بار دیگر در مرکز تهدیدهای نظامی آمریکا علیه ایران قرار گرفته است؛ تکرار تهدید به حمله را نمی‌توان صرفاً یک موضوع نظامی دانست. محسن پاک‌آیین، سفیر سابق ایران در جمهوری آذربایجان، تهدیدهای آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران را فاقد مبنای قانونی دانسته و تأکید کرده است که ایران به‌عنوان عضو NPT، بارها صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود را اعلام کرده است. از نگاه پاک‌آیین، یکی از دلایل تداوم این ادبیات تهدیدآمیز، سکوت اژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بی‌عملی جامعه بین‌المللی در برابر تهدیدهای آمریکا است؛ وضعیتی که به گفته او، زمینه را برای تکرار تهدیدهای نظامی فراهم کرده است. کوه کلنگ؛ عادی‌سازی حمله به تأسیسات هسته‌ای چه پیامدی دارد؟ در سوی دیگر، «رضا میرابیان» سفیر سابق ایران در کویت معتقد است اظهارات ترامپ ضابطه‌مند نیست و رئیس‌جمهور آمریکا بارها تهدیدهایی را مطرح کرده و سپس از مواضع خود عقب‌نشینی کرده است. از این منظر، میان «تهدید سیاسی» و «تصمیم قطعی برای عملیات نظامی» فاصله وجود دارد. میرابیان با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران فارغ از نوع اظهارات مقامات آمریکایی، اقدامات امنیتی و بازدارنده خود را دنبال می‌کند، گفت: جمهوری اسلامی ایران چه زمانی که ترامپ تهدید کند و چه زمانی که تهدید نکند، اقدامات امنیتی، بازدارنده و پیشگیرانه خود را در رابطه با مناطق حساس کشور انجام می‌دهد و از قبل پیش‌بینی‌های لازم را صورت می‌دهد. اقدامات آمریکا در اصفهان خنثی شد و وی ادامه داد: این‌طور نیست که آمریکایی‌ها تاکنون تلاش نکرده یا اقداماتی انجام نداده باشند؛ اقداماتی که از سوی آمریکا در اصفهان انجام شد، در همان مراحل اولیه خنثی شد. اقدامات بازدارنده و پیشگیرانه ایران موجب شد این تلاش‌ها به نتیجه نرسد و از این به بعد نیز این اقدامات خنثی خواهد شد. کوه کلنگ؛ عادی‌سازی حمله به تأسیسات هسته‌ای چه پیامدی دارد؟ اما حتی اگر تهدید آمریکا را جدی و عملیاتی فرض کنیم، یک پرسش اساسی همچنان باقی است، آیا حمله به یک نقطه زیرزمینی می‌تواند به معنای نابودی توان هسته‌ای ایران باشد؟ پاسخ کارشناسان ایرانی به این پرسش منفی است. پاک‌آیین تأکید دارد حمله به یک منطقه نمی‌تواند ایران را از توانایی بهره‌مندی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای محروم کند. میرابیان نیز با اشاره به حملات پیشین به طنز و فرو، معتقد است نباید درباره سرنوشت کل ظرفیت هسته‌ای ایران صرفاً بر اساس میزان آسیب وارد شده به یک یا چند تأسیسات قضاوت کرد. واقعیت راهبردی نیز آن است که «تأسیسات» تنها یک بخش از یک برنامه هسته‌ای هستند. دانش فنی، نیروی انسانی، زیرساخت صنعتی و توان بازسازی، مؤلفه‌هایی نیستند که با هدف قرار گرفتن یک نقطه جغرافیایی به‌سادگی از میان بروند.



سپاه چگونه سامانه زیرسطحی آمریکایی را شکار کرد

■ اطلاعاتی نیروی دریایی سپاه درباره به دام انداختن یک فروند زیرسطحی هوشمند و بدون‌سرنشین آمریکایی در ورودی تنگه هرمز، از آن دست رخدادهایی است که اهمیت آن صرفاً در «غنیمت گرفتن یک شناور» خلاصه نمی‌شود. آنچه در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته، یکی از سامانه‌های جدید نسل آینده جنگ زیرسطحی بدون‌سرنشین آمریکا است؛ سامانه‌ای که اساساً برای انجام مأموریت‌های طولانی‌مدت و تا حد زیادی مستقل در زیر آب طراحی شده است.

بر اساس اطلاعاتی سپاه، این زیرسطحی طی یک عملیات پیچیده مبتنی بر اشراف اطلاعاتی و عملیاتی در ورودی تنگه هرمز به دام افتاده و به غنیمت گرفته شده است. سپاه همچنین اعلام کرده که تصاویر این سامانه منتشر خواهد شد؛ موضوعی که می‌تواند امکان بررسی دقیق‌تر درباره نوع، پیگیری و تجهیز آن را فراهم کند.

Dive-LD چیست؟ سامانه‌ای که مشخصات منتشرشده درباره آن با Dive-LD تطبیق داده شده، یک زیردریایی بدون‌سرنشین متعارف به معنای کلاسیک نیست؛ بلکه در رده وسیله زیرسطحی خودکار با جابجایی بزرگ قرار می‌گیرد. این سامانه ابتدا توسط شرکت آمریکایی Dive Technologies توسعه یافت و پس از خرید این شرکت، ادامه توسعه آن به Anduril Industries منتقل شد. نخستین نمونه Dive-LD در آوریل ۲۰۲۵ به یگان 1-UUVRON نیروی دریایی آمریکا تحویل داده شد تا در محیط عملیاتی مورد ارزیابی قرار گیرد. مشخصات اعلام‌شده برای این سامانه نشان می‌دهد با یک وسیله کوچک تفریحی یا یک پهپاد زیرسطحی ساده مواجه نیستیم. طول آن حدود ۵.۸ متر و وزنش نزدیک به سه تن اعلام شده و برای مأموریت‌های طولانی در زیر آب طراحی شده است.

یکی از ویژگی‌های مهم Dive-LD، استقلال عملیاتی آن است. این سامانه برای انجام مأموریت‌های زیرسطحی می‌تواند بدون حضور سرنشین در داخل وسیله فعالیت کند و بنا بر مشخصات منتشرشده، قابلیت ماندگاری چندروزه در زیر آب را دارد.

در منابع معرفی این سامانه، امکان فعالیت تا حدود ۱۰ روز و دستیابی به عمق بسیار زیاد، حتی تا حدود ۶ هزار متر، ذکر شده است. البته باید توجه داشت که همه این ارقام، مشخصات اعلامی سازنده هستند و عملکرد واقعی سامانه در شرایط عملیاتی می‌تواند متفاوت باشد.

چرا آمریکا به سراغ چنین سامانه‌ای رفته است؟

جنگ زیرسطحی یکی از پیچیده‌ترین حوزه‌های عملیات نظامی است. محیط زیر آب، برخلاف آسمان و سطح زمین، امکان برقراری ارتباط دائمی و آسان را محدود می‌کند و شناسایی یک وسیله زیرسطحی نیز به‌مراتب دشوارتر است.

به همین دلیل، استفاده از سامانه‌های بدون‌سرنشین می‌تواند بخشی از این محدودیت‌ها را کاهش دهد. یک وسیله خودکار می‌تواند برای مدت طولانی در منطقه‌ای مشخص حضور داشته باشد، اطلاعات جمع‌آوری کند و بدون آنکه جان خدمه‌ای در معرض خطر قرار گیرد، مأموریت خود را انجام دهد. Dive-LD نیز اساساً برای چنین مأموریت‌هایی طراحی شده است؛ از شناسایی و مراقبت زیرسطحی گرفته تا نقشه‌برداری از بستر دریا، کشف مین، بررسی زیرساخت‌های دریایی مانند خطوط لوله و کابل‌ها و پشتیبانی از مأموریت‌های ضدزیردریایی.

ساختار ماژولار این سامانه نیز اهمیت زیادی دارد. چنین طراحی‌ای اجازه

ابهت ارتش آمریکا شکست؛ نظم جهانی در حال تغییر است



آن را از بین بردم، چرا جنگ همچنان ادامه دارد؟ چرا همچنان برای کنترل و مدیریت تنگه هرمز در حال جنگ هستیم؟

طالب افروز: مدیریت این صحنه باید به مردم آمریکا پاسخ بدهد که چرا با وجود هزینه‌های سنگین، همچنان درگیر جنگ است.

وی گفت: نظرسنجی‌های انجام‌شده در آمریکا را بررسی کنید؛ بر اساس خود بگیرند و سایر کشورهای جهان را از نظر علمی به آمریکا و غرب وابسته کنند و تولید ثروت جهانی را نیز بر پایه این برتری علمی در اختیار داشته باشند.

وی با بیان اینکه آمریکا و کشورهای اروپایی در دستیابی به بخش‌هایی از این هدف موفق شدند، تصریح کرد: سؤال اینجاست که چه اتفاقی افتاد که نتوانستند صبر کنند و مجبور شدند راهبرد خود را تغییر دهند و به سمت جنگ نظامی بروند تا با انکا به قدرت و زور، مسائل خود را در جهان حل کنند.

چرخش راهبرد واشنگتن از جنگ ترکیبی به جنگ نظامی طالب گفت: تحولات داخلی آمریکا و دوگانگی‌هایی که در این کشور شکل گرفت، آنها را مجبور کرد راهبرد خود را تغییر دهند و از ابزارهای نظامی برای پیشبرد اهداف خود استفاده کنند.

وی با اشاره به تحولات منطقه و حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی اظهار کرد: آنها در این منطقه تمام ماشین جنگی رژیم صهیونیستی را به کار انداختند، منابع مالی در اختیار آن قرار دادند و قوی‌ترین تسلیحات را وارد منطقه کردند. روزانه ده‌ها فروند هواپیمای ترابری، بمب، موشک و تجهیزات نظامی برای رژیم صهیونیستی منتقل شد.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین افزود: اگر در دوره جنگ اول، آمریکایی‌ها مجبور بودند طی هشت سال حدود دو سوم ارتش خود را در منطقه به چرخش درآورند، امروز شاهد هستیم که بخش عمده توان عملیاتی و نیروهای ویژه آمریکا وارد منطقه شده‌اند.

طالب با بیان اینکه «ابهت ارتش آمریکا در این جنگ شکسته شد»، گفت: ارتشی که مدارس و بیمارستان‌ها را هدف قرار می‌دهد و دست به جنایت علیه کودکان می‌زند، امروز در برابر چشم جهانیان قرار گرفته است و مردم دنیا عملکرد آن را مشاهده می‌کنند.

وی ادامه داد: همه دنیا دیدند ارتش چند تریلیون دلاری آمریکا، با بودجه نظامی سالانه نزدیک به یک تریلیون دلار، چگونه در برابر یک نیروی مسلح که بودجه دفاعی آن قابل مقایسه با آمریکا نیست، با چالش مواجه شد.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین با طرح این پرسش که دلیل تداوم جنگ از سوی آمریکا چیست، اظهار کرد: اگر ادعا می‌کنید نیروی دریایی و نیروی هوایی طرف مقابل را هدف قرار داده‌اید و بخش قابل توجهی از توان نیروهای مسلح



جزئیات جلسه نمایندگان با قالیباف

■ نماینده مردم اراک با تشریح نشست نمایندگان با رئیس مجلس، گفت: قالیباف در این جلسه به دغدغه نمایندگان درباره معیشت مردم، مذاکرات و بازگشایی مجلس پاسخ داد.

سید محمد جمالیان در تشریح نشست شب گذشته نمایندگان مجلس با محمذباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، گفت: این جلسه فرصت مناسبی بود تا بخشی از سوالات و ابهاماتی که مردم در میادین و خیابان‌ها از نمایندگان مطرح می‌کنند و بعضاً نمایندگان امکان پاسخگویی دقیق و قطعی به آنها را نداشتند، شفاف‌سازی شود.

نماینده مردم اراک، کمیجان و خنداب در مجلس شورای اسلامی افزود: نمایندگان دغدغه‌ها و مطالبات خود را مطرح کردند و تقریباً عمده سوالاتی که مردم از نمایندگان می‌پرسند به رئیس مجلس منتقل شد و پاسخ‌های لازم نیز از سوی قالیباف ارائه شد.

وی ادامه داد: همچنین مقرر شد این جلسات در زمان دیگری نیز ادامه پیدا کند تا درباره مسائل مهم و روز کشور، بحث و بررسی بیشتری صورت گرفته و راهکارهای کلی‌تر برای حل مشکلات ارائه شود.

جمالیان با اشاره به مطالبه نمایندگان درباره بازگشایی صحن مجلس، گفت: یکی از موضوعاتی که نمایندگان به طور جدی مطرح کردند، مطالبه برای بازگشایی مجلس بود، چرا که این موضوع یکی از مطالبات مردم نیز محسوب می‌شود.

وی تصریح کرد: قالیباف در این زمینه توضیحاتی ارائه کرد و گفت که از اردیبهشت‌ماه نامه‌ای در این خصوص ارسال و پیگیری‌ها ادامه دارد.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس همچنین با اشاره به دغدغه نمایندگان درباره مذاکرات و برداشت‌های مختلف از بیانات رهبر معظم انقلاب، گفت: یکی دیگر از موضوعات مطرح‌شده، دواپوسی و نگرانی‌هایی بود که برخی نمایندگان درباره مذاکرات و نحوه پیشبرد آن داشتند که رئیس مجلس تأکید کرد تمام اقداماتی که در حوزه مذاکرات انجام می‌شود، مطابق با نظر و دستورات رهبر انقلاب است و افرادی که در موضوع مذاکرات ارائه نظر و مشورت می‌کنند، تقریباً همان افرادی هستند که در مباحث نظامی نیز نظر و مشورت می‌دهند.

جمالیان ادامه داد: رئیس مجلس با قاطعیت تأکید کرد که جای هیچ‌گونه نگرانی از این بابت وجود ندارد که برخی مسئولان بخواهند برخلاف نظر رهبر انقلاب انجام دهند و به نمایندگان مردم اطمینان داد که همه اقدامات در حوزه مذاکرات، مطابق با نظر و دستورات ایشان انجام می‌شود و در موضوع جنگ نیز اقداماتی که در حال انجام است، مطابق با نظر فرماندهی کل نیروهای مسلح صورت می‌گیرد.

نماینده مردم اراک در ادامه با اشاره به موضوع معیشت مردم، گفت: یکی دیگر از موضوعات مهم مطرح شده در این جلسه، وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم بود که مورد توجه جدی نمایندگان قرار داشت.

وی افزود: نگاه رئیس مجلس نیز این بود که امروز مهم‌ترین، اصلی‌ترین و نخستین موضوعی که همه مسئولان باید به آن توجه داشته باشند، معیشت و رفاه مردم است و باید تمام تلاش‌ها برای کاهش فشار اقتصادی و معیشتی از دوش مردم به کار گرفته شود.

جمالیان با بیان اینکه عبور از شرایط موجود، همکاری میان قوا و حمایت از دولت ضروری است، تصریح کرد: در آینده نزدیک اتفاقاتی رقم خواهد خورد که به دولت برای کاهش فشارهای اقتصادی و معیشتی بر مردم کمک کند، اما این موضوع بدون همراهی و حمایت از دولت محقق نخواهد شد.

وی تأکید کرد: حمایت از دولت به این معنا نیست که نمایندگان از وظایف نظارتی و انتقادی خود دست بکشند، بلکه باید انتقاد و نظارت، سازنده، هدفمند و در راستای حل مشکلات باشد.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس یادآور شد: امیدواریم این جلسات با رعایت ملاحظات و مسائل امنیتی ادامه پیدا کند و با گفتگو و همکاری میان نمایندگان و هیئت رئیسه، برای مشکلات کشور و دغدغه‌های مردم راهکارهای عملی و مؤثری پیدا شود.

از سواد الفبایی تا سواد دینی؛ جامعه امروز به کدامین فهم نیاز دارد؟



رسانند. چنان که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (نشقاق 6/)، ای انسان تو با رنج و تلاش به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد. این ملاقات، همان غایتی است که دین برای آن آمده است؛ همان‌طور که مولانا می‌فرماید: هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جویند روزگار وصل خویش

برای دستیابی به یک تفکر دینی که بتوانیم خود را مسلمان بدانیم، باید چه ابعادی از دین را بشناسیم و این ابعاد چگونه با کرامت انسانی پیوند می‌خورند؟

دین اسلام، چونان درختی تنواره، سه شاخه‌ی اصلی دارد. نخست «اعتقادات» و در رأس آن باور به توحید که ریشه‌های باور را در عمق جان آدمی استوار می‌سازد. دوم «اخلاقیات» که میوه‌ی آن باورهاست؛ صفاتی که انسان را به زیور الهی می‌آراید. و سوم «احکام» که شاخ و برگ این درخت تاورنزد، دستوراتی که هر چند در ظاهر، محدودیت‌هایی برای لذت‌های جسمانی به نظر می‌آیند، در حقیقت، مرزهایی برای صیانت از کرامت انسانی‌اند.

خداوند در قرآن می‌فرماید «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء 70/). یعنی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم. این کرامت، خط قرمزی است که دین برای لذت‌های انسان ترسیم کرده تا او مقام انسانیت را به ورطه‌ی حیوانیت سقوط ندهد. حیوان هر چه خورد و هر چه کرد، از آنجا که مقام و غایتی فراتر از رفیع نیازهای جسمانی ندارد، به کام او حلال است و چون کرامت و احترامی ندارد پوشش خاصی نیاز ندارد تا عیوب و زشتی‌های او را بپوشاند. اما انسان، که خداوند او را شایسته‌ی خطاب و

به هیچ وجه، فرهنگ بسیار مهم است، اما فرهنگ را نباید یک مفهوم ایستا بدانیم. فرهنگ کار از رفتارهای تکرارشونده ساخته می‌شود. اگر سازمانی سال‌ها به کارمند خود بگوید «همین که تحویل بدی کافی است»، بعد از مدتی این رفتار تبدیل به هنجار می‌شود. برعکس، اگر در یک مجموعه، محصول معیوب واقعا بررسی شود، خطا پنهان نشود، کار دقیق ارزش‌گذاری شود و فرد متخصص بابت کیفیت کارش اعتبار بگیرد، فرهنگ سازمانی تغییر می‌کند.

در واقع فرهنگ و ساختار اقتصادی یکدیگر را تقویت می‌کنند. اگر ساختار، کیفیت را تشویق کند، فرهنگ کیفیت هم فرصت رشد پیدا می‌کند.

چرا خرید ماشین‌آلات مدرن توانسته به تنهایی کیفیت تولید را متحول کند ؟

چون ماشین، فقط یک ابزار است. شما می‌توانید پیشرفته‌ترین دستگاه های تولید را وارد کنید، اما اگر اپراتور آموزش ندیده باشد، تعمیرات پیشگیرانه انجام نشود، مواد اولیه استاندارد نباشد یا مدیر تولید صرفا به تعداد قطعات تولیدشده نگاه کند فناوری گران‌قیمت هم الزاما خروجی باکیفیت ایجاد نمی‌کند.

توسعه صنعتی در اصل یک سیستم است. ماشین‌آلات، سرمایه، نیروی انسانی، دانش فنی، مدیریت، استاندارد و بازار باید کنار هم قرار بگیرند. به همین دلیل است که انتقال فناوری بدون انتقال دانش و شکل‌گیری قابلیت‌های انسانی، معمولا اثر محدودی دارد.

یعنی مشکل اصلی نیروی انسانی نیست؟

نمی‌توان گفت نیروی انسانی هیچ نقشی ندارد. کارگر و مهندس باید مسوولیت حرفه‌ای داشته باشند. اما باید پرسید این مسوولیت چگونه ایجاد و تقویت می‌شود؟ اگر نیروی متخصص حقوق و امنیت شغلی مناسبی نداشته باشد، مسیر ارتقای حرفه‌ای برایش روشن نباشد و کیفیت کارش در ارزیابی‌ها اهمیتی نداشته باشد، نمی‌توان صرفا از او انتظار «تعهد اخلاقی» داشت.

از طرف دیگر، آموزش فنی نیز نباید فقط به دریافت مدرک محدود شود. صنعت به تکنسین، اپراتور ماهر، مهندس مسلط به فرایند و مدیر آشنا با کنترل کیفیت نیاز دارد. تولید صنعتی بدون نیروی انسانی توانمند، صرفا مونتاژ تجهیزات است.

آیا ساختار اقتصادی ایران هم به این وضعیت دامن زده است؟

بله. یکی از مشکلات مهم، ضعیف بودن برخی سازوکارهای رقابت

آینده هر تمدنی در گرو سواد مردم آن است. روزگاری سواد، به معنای خواندن و نوشتن بود و سواد دینی غالباً در روخوانی و روان‌خوانی متون دینی خلاصه می‌شد؛ به‌طوری‌که معیار سواد قرآنی، توانایی تلاوت بدون غلط بود. اما این تعریف، دین را به متنی تقلیل می‌دهد که باید آن را «درست خواند»، نه پیامی که باید آن را «درست فهمید». تفاوت این دو رویکرد، تفاوت میان «سواد خواندن» و «سواد فهمیدن» است. امروز که سواد خواندن و نوشتن دیگر یک امتیاز نیست و به لطف فضای مجازی، کتاب‌ها، تفسیر و ترجمه‌های روان از قرآن و حدیث در دسترس همگان قرار گرفته است، گویی تشنگی‌ای عمیق‌تر در میان است؛ تشنگی برای فهمیدن آنچه می‌خوانیم. در این خصوص با حجت‌الاسلام محمدمهدی کمالی به گفت‌وگو نشستیم تا از منظر ایشان، وضعیت سواد دینی و ارتباط آن با تفکر دینی در جامعه را واکاوی کنیم.

با وجود اینکه امروزه به لطف فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، متون دینی، تفسیر و ترجمه‌های روان از قرآن و حدیث در دسترس همگان قرار گرفته است، اما گویی تشنگی عمیق‌تری برای فهمیدن در میان است. وضعیت سواد دینی امروز جامعه ما را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جامعه امروز ایران با پدیده‌ای روبه‌روست که ریشه‌اش نه از کمبود اطلاعات، که از «بحران فهم» ناشی می‌شود. گروهی از مردم، با وجود آشنایی با ظواهر دین، رغبتی به آن نشان نمی‌دهند. در ظاهر، پوشش و رفتارشان، گاه فاصله‌ای آشکار با دستورات دینی دیده می‌شود. اما این بی‌رغبتی، ریشه در ناآشنایی ندارد؛ ریشه در نوعی فهم ناقص و گاه وارونه دارد. خیال می‌کنند دین آمده است تا قفس تنگ محدودیت بر جانشان بگذارد. خیال می‌کنند دین دشمن لذت است. غافل از اینکه دین آمده است تا لذت برتر را به آن‌ها هدیه کند و کرامت گمشده‌شان را بازگرداند.

اگر سواد الفبایی و توانایی روخوانی متون، معیار نهایی نیست، پس منظور شما از «سواد دینی راستین» چیست و چه تعریفی از آن دارید؟

آورنده این دین، پیامبری اُمّی بود. پیامبری که به ظاهر سواد الفبایی نداشت، اما بدون شک عمیق‌ترین و کامل‌ترین فهم ممکن از حقیقت دین از آن او بود. این تناقض ظاهری، ما را به بازتعریف «سواد دینی» فرا می‌خواند. سواد دینی راستین، سواد خواندن خطوط نیست؛ سواد فهم گوهر و حقیقت دین است. گوهری که در وری همه دستورات و احکام، درخششی ناب دارد و آن، «معرفت خدا» و «عشق به او»ست.

روایت مشهور «هَلْ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ» و تفسیر «لیعبدون» به «لیعرفون» در آیه شریفه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/56)، هر دو به یک حقیقت اشاره دارند که غایت نهایی دین، چیزی نیست جز شناخت خداوند و عاشقانه زیستن در حرم او. دین برای آن فرستاده شد که انسان سرگشته و غرق‌شده در خواب غفلت را به اصل خویش بازگرداند و نَبی بریده از نیستان را به وصلِ نیستان

■ وقتی از ضعف کیفیت برخی تولیدات داخلی سخن می‌گوییم، نخستین واکنش ممکن است متوجه کارگر، مهندس یا مدیر کارخانه باشد. اما مساله عمیق‌تر از این‌ها است. کیفیت محصول، حاصل مجموعه‌ای از انگیزه‌ها، آموزش‌ها، استانداردها، نظام مدیریتی، رقابت، ستمزد، امنیت شغلی و حتی نوع نگاه جامعه به «کار خوب» است. اگر در یک محیط اقتصادی، تحویل سریع پروژه مهم‌تر از دوام آن باشد، اگر مشتری امکان انتخاب محدودی داشته باشد، اگر تولیدکننده بابت کیفیت پابین، هزینه قابل‌توجهی نپردازد و اگر نیروی متخصص احساس کند مهارت و دقت او تفاوت چندانی در درآمد و جایگاهش ایجاد نمی‌کند، به‌تدریج کیفیت از یک ارزش حرفه‌ای به یک شعار تبدیل می‌شود.

این مساله در شرایط اقتصادی کنونی کشورمان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در سالی که تقویت تولید و افزایش تاب‌آوری اقتصادی همچنان در مرکز توجه سیاست‌گذاری قرار دارد، صرف افزایش حجم تولید کافی نیست. گزارش‌ها و تحلیل‌های اقتصادی نیز بر ضرورت حرکت به سمت تولید رقابت‌پذیر، افزایش بهره‌وری و تقویت بنگاه‌های مولد تاکید دارند.

در چنین شرایطی پرسش اساسی این است: چرا فرهنگ «سمبل‌کاری» و «بَساز و بنداز» گاهی بر فرهنگ «ثقان در عمل» غلبه می‌کند؟ آیا مشکل از فرهنگ عمومی است یا ساختار اقتصادی و مدیریتی، رفتارهای کوتاهمدت را پاداش می‌دهد؟ و مهم‌تر اینکه برای تغییر این وضعیت، چه باید کرد؟ برای بررسی این موضوع با «سعیده اسکندری» تحلیلگر و دانش‌آموخته حوزه اقتصاد سیاسی، روزنامه‌نگار و تحلیلگر اسبق کنفرانس ایران و اروپا در فرانکفورت آلمان، گفتگو کرده ایم.

اجازه دهید از یک تعبیر رایج شروع کنیم: «بَساز و بنداز». آیا واقعا می‌توان گفت چنین فرهنگی در تولید ایران ریشه دوانده است؟

باید کمی محتاط باشیم. اگر بگوییم جامعه ایران ذاتا کم‌کیفیت کار می‌کند، هم از نظر علمی نادرست است و هم راه اصلاح را می‌بندد. در ایران: مهندسان، کارگران، صنعتگران و تولیدکنندگانی داریم که استانداردهای بسیار بالایی را رعایت می‌کنند. مساله این است که در بخشی از اقتصاد، ساختار انگیزشی به گونه‌ای شکل گرفته که کار سریع و کم‌هزینه گاهی بیش از کار دقیق و باادام پاداش می‌گیرد.

وقتی پیمانکار بابت تحویل سریع پروژه پاداش می‌گیرد اما هزینه خرابی چند سال بعد بر عهده او نیست، انگیزه برای کیفیت کاهش پیدا می‌کند. وقتی مشتری مجبور است کالایی را بخرد که گزینه جایگزین مناسبی ندارد، فشار بازار برای ارتقای کیفیت هم کمتر می‌شود. بنابراین بخشی از آنچه «فرهنگ سمبل‌کاری» می‌نامیم، در واقع واکنش افراد به محیطی است که در آن فعالیت می‌کنند.

پس شما نقش فرهنگ را انکار نمی‌کنید؟



ایرانی بودن شایگان را جهانی کرد

سومین نشست از سلسله نشست‌های ایران‌شناخت با موضوع «هویت ایرانی به روایت داریوش شایگان» در محل خانه کتاب سازمان جهاد دانشگاهی تهران و با حضور کارشناسان و پژوهشگران این حوزه برگزار شد. در این نشست تخصصی، کتاب‌های «افسون‌زدگی جدید»، «هویت چهل‌تکه» و «تفکر سیار» از زوایای مختلف فلسفی، فرهنگی و تاریخی مورد واکاوی عمیق قرار گرفت.

تقسیم‌بندی آثار شایگان و پرسش‌نبدین نسبت با غرب سعید صالحیان، دبیر این نشست، با اشاره به قرابت فکری و معنوی زیاد داریوش شایگان با متفکران فرانسوی، آثار او را به دو دسته کلی تقسیم کرد. دسته نخست، کتاب‌هایی است که برخی آن‌ها را غیرانتقادی یا معرفی‌کننده می‌نامند و سقفه فلسفه‌ورانه دارند؛ مانند کتابی که درباره فلسفه هند نوشته است، یا آثار متأخر او درباره دو چهره ادبی برجسته فرانسوی، مارسل پروست و شارل بودلر، و همچنین کتاب «پنج اقلیم حضور» که حالتی بینابینی دارد و می‌کوشد هم فرهنگ ایرانی را دست به گریبان شود و هم پنج شاعر برجسته ایرانی را معرفی کند.

دسته دوم، کتاب‌های انتقادی شایگان است که با یک مسأله بنیادین و بسیار پیچیده سروکار دارند: مسأله‌ای که سابقه آن به یک قرن گذشته و اواخر دوران صفویان بازمی‌گردد و آن درگیری با مسأله غرب و مدرنیته است. صالحیان تاکید کرد که پرسش بنیادین شایگان در این آثار این است که «ما چه نسبتی با غرب و مدرنیته داریم؟». وی دوره اول فکری شایگان را با آثاری همچون «اسباب در برابر غرب» و «کتب‌های ذهنی و خاطره‌ای» مرتبط دانست که پیش از انقلاب نگارش شده‌اند. در این کتاب‌ها، سیر تاریخی تدریجی، مسأله نهیلیسم (یا بازگشت به داستایوفسکی و نیچه) و به‌ویژه مسأله زمان و دوگانگی تاریخ انفسی و تاریخ آفاقی (که تأثیر هابری کرین در آن آشکار است) به‌وضوح مشخص است. اما در دوره دوم فکری شایگان، یعنی پس از انقلاب، نگاه او تغییر می‌کند و بیشتر تحت‌تأثیر نقد کلان‌روایت‌ها و تفکر پسااستاکار قرار می‌گیرد. شایگان در این دوره صراحتا اعلام می‌کند که هویت منسجمی از فرهنگ سنتی باقی نمانده که بخواید در برابر غرب مبارزه کند و همه ناگزیر به غربی شدن بده‌اند. با این حال، نقد او این است که در این فرآیند، روح و معنا از دست رفته است و ما به فتنمان و نگاه معنوی نیاز داریم. از این رو، او در آثار متأخر خود به دو محور افقی (تاریخ آفاقی) و محور عمودی (فراتاریخ و گفت‌وگو در فراتاریخ) اشاره می‌کند.

ایران‌شناسی از منزل سلوک و پیچیدگی‌های هویت ایرانی مقصود فراستخواه، استاد موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، در ادامه این نشست با طرح این ایده که شایگان تنها بهانه‌ای برای ورود به مسأله ایران‌شناخت است، ایران را سرزمینی متناقض اما زنده توصیف کرد که همواره صدهای متفاوتی از آن برمی‌خیزد. او با استناد به آیات مولانا («از جهان دو بانگ می‌آید به جد») و سبستری («بین عالم همه در هم سرشته / ملک در دیو و شیطان در فرشته») به دو صدایی بودن جهان و وجود خیر و شر در فلسفه و ادبیات ایرانی اشاره کرد.

فراستخواه با تاکید بر این که جهان را شرارت، پوچی و نیستی در برگرفته است، گفت: در جهانی که سر تا پا درگیری است، با فلسفه‌سندی ایرانی می‌توان به‌دنبال خیر بود، معناهایی را جست‌وجو کرد، فضیلتی را تجربه کرد و زندگی‌ای را رونق داد. ایران نیز مانند جهان، متناقض است؛ پادشاهانی در آن زیستند که به اندازه تیرمیز لنگ ایران را آباد نکردند، اما در عین حال ظرفیت‌های عظیمی نیز داشته است. وی با اشاره به دوران غزنوی و سلطه شمشیر بر قلم، مثال اپوربحان بیرونی را مطرح کرد که در میان چاکچاک شمشیرها، کتاب «تحقیق ما الیهند» را می‌نویسد و مردم‌شناسی می‌کند. این اندیشه، اندیشه‌ای جهانی است؛ اندیشه فهم از جهان آموختن و خود را در جهان به اشتراک گذاشتن. فراستخواه ایران را «پادشاهی میانه» و تمدنی ترکیبی دانست که همواره با جهان ارتباط و مبادله داشته است. تنوروز که از بابل آمده، با خلافت ایرانی سنتزی تازه یافته است. خوارزمی نیز با ترکیب ریاضیات هند و یونانی با بدایع ایرانی، خوارزمی شده است. نقش بدایع ترکیبی ایرانی، در هم آمیختن با تجربه‌های جهانی و گفت‌وگو با جهان است. فراستخواه در توصیف پیشینه شایگان گفت: هویت چهل‌تکه شایگان ناشی از بافت‌مندی تاریخی و اجتماعی اوست؛ مادرش گرجی و سنی، پدرش گرش تاجر آذربایجانی، پرستارش روس، معلمان موسیقی و زبانش ارمنی، پدرش شیعه، پزشکش زرتشتی و رانده‌اش آشوری بوده است. شایگان در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی در مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها، مفهوم «موتاسیون در تعاطی فرهنگ‌ها» را مطرح کرد؛ ایده‌ای که در آن تبادل فرهنگی تنها جمع و تفریق نیست، بلکه جهش‌ها و خلافت‌های تازماری رخ می‌دهد و بعدها مبنای گفت‌وگوی تمدن‌ها قرار گرفت. او همچنین به طبقه «نوجوای ایران» اشاره کرد که شایگان به آن تعلق داشت: طبقه‌ای متوسط رو به بالا که استقلال فکری و اجتماعی داشتند و می‌توانستند در برابر قدرت بایستند و مطالبه قانون، آزادی و سبک زندگی کنند.

روانکاوی فلسفی تمدنی و کانت به‌مثابه واکسن فکری مالک شجاعی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و علوم انسانی، رویکرد شایگان را نوعی «روانکاوی فلسفی تمدنی» خواند. او با اشاره به ۱۴ تا ۱۵ سنخ رویکرد به ایران‌شناسی در صد سال گذشته، شایگان را در زمره ایران‌شناسی فلسفی قرار داد.

شجاعی به نقل‌قول کلیدی شایگان از کتاب «زیر آسمان‌های جهان» (گفت‌وگو با رامین جهانگیلو) اشاره کرد: «به نظر من فلسفه کانت برای ما از نظر ذهنی و روانی بسیار بهادشتی‌تر و سالم‌تر از فلسفه دیگر فیلسوفان متأخری‌ریک غرب است.» شجاعی توضیح داد که منظور شایگان این نیست که کانت مرتبط‌ترین فیلسوف با زیست‌جهان ماست، بلکه اشاره به خاصیت «حدگذاری» و انضباط ذهنی فلسفه کانت دارد. کانت می‌گوید فلسفه تعلیم اندیشه‌ها نیست، بلکه تعلیم اندیشیدن است.

حمله به اردوگاه الودیعہ ضربه ای استراتژیک به عربستان زد



معاون وزیر اطلاع رسانی یمن همچنین به چرخش عربستان میان ائتلاف‌های مختلف اشاره کرد و گفت که این کشور از ائتلاف با آمریکا به ائتلاف با بنگلادش و بحرین روی آورده که این امر حاکی از وضعیت گیجی و بی‌هدفی آن است.

منصور توضیح داد که عربستان از سطح عملکرد نظامی یمن در جبهه‌های تعز و ساحل، و همچنین از ضربات دقیقی که تجمعات و مواضع نظامی‌اش را هدف قرار داد، غافلگیر شد.

منصور تصریح کرد که عربستان از زمان آغاز تجاوز در سال ۲۰۱۵، به سیاست ایجاد ارباب از طریق هدف قرار دادن خانه‌ها، بیمارستان‌ها و اهداف غیرنظامی متکی بوده و این رویه را تا زمانی که یمن ابتکار عمل را به دست بگیرد، ادامه داده است. وی یادآور شد که عربستان اکنون درک کرده است که حضورش در یمن به پایان راه نزدیک شده و به ناچار باید از آن خارج شود. این مقام یمنی در عین حال این احتمال را مطرح کرد که فشار تل آویو اسرائیل، به ویژه در ارتباط با شهر «المخا»، ممکن است عربستان را به سوی تشدید بیشتر سوق دهد. وی هشدار داد که استمرار این مسیر به معنای «خودکشی» در رویارویی با حاکمیت، ملت و ارتش یمن است.

وی به سکوت عربستان در قبال نتایج ضرباتی که تأسیسات آرامکو را هدف قرار داد پرداخته و گفت اخبار مربوط به آن به جای رسانه‌های سعودی، از طریق مطبوعات خارجی منتشر می‌شود که این امر بازتاب‌دهنده میزان آشفتگی در درون عربستان است. منصور در پایان تأکید کرد که یمن تلاش داشت اوضاع را از طریق اجرای توافقات از جمله توقف تجاوز، لغو محاصره، پرداخت غرامات، آزادی اسرا و عدم حمایت از نیروهای تروریستی حل و فصل کند، اما استمرار تنش‌افزایی از سوی عربستان همه‌چیز را به مسیر دیگری کشاند.

معاون وزیر اطلاع رسانی یمن حمله نیروهای مسلح این کشور به مرکز فرماندهی ائتلاف سعودی در اردوگاه الودیعہ را ضربه استراتژیک به عربستان خواند.

محمد منصور معاون وزیر اطلاع‌رسانی در گفتگو با شبکه المسیره، اعلام کرد که حمله نیروهای مسلح یمن به اردوگاه «الودیعہ»، ضربه‌ای استراتژیک به سیستم بسیج و تسلیحاتی عربستان سعودی بوده است.

وی خاطرنشان کرد که زمان‌بندی این حمله با یک جنایت از سوی عربستان همزمان شد که حدود نیم ساعت پیش از پخش تصاویر این عملیات توسط نیروهای مسلح، منافعی را در استان الجوف هدف قرار داده بود.

محمد منصور تصریح کرد که عربستان سعودی تلاش کرد با ارتکاب این جنایت، ابعاد و بازتاب عملیات الودیعہ را تحت‌الشعاع قرار دهد، اما حجم تلفات و خسارات در این اردوگاه، این کشور را در پنهان کردن نتایج ضربه ناتوان ساخت.

منصور توضیح داد که الودیعہ یک هدف نظامی معمولی نبود، بلکه یکی از بارزترین کانون‌های مرتبط با تسلیح و برنامه‌ریزی برای تشدید تنش از سوی عربستان به شمار می‌رفت.

وی اشاره کرد که این عملیات، کامیون‌های حامل تسلیحات، فرماندهان و اتاق فرماندهی و کنترل را هدف قرار داده و این اردوگاه را از خدمت خارج کرده است.

این مقام یمنی حملات مذکور را نشان‌دهنده سطح عملکرد نظامی پیشرفته‌ای دانست که نیروهای مسلح یمن به آن دست یافته‌اند. وی افزود که این حمله نشان داد یمن با آمادگی کامل وارد این مرحله شده است و شعار «محاصره در برابر محاصره و تشدید در برابر تشدید» که از سوی سید عبدالملک بدرالدین الحوثي اعلام شد، نه فقط متکی بر توان موشکی و پهپادی، بلکه مبتنی بر آمادگی ایمانی، اخلاقی، انسانی و لجستیکی است.

منصور با اشاره به اینکه رسانه جنگی به عنصری اساسی در عملیات‌های نظامی تبدیل شده است، تصاویر مستند ضربات اخیر را ستود و گفت این نوع مستندسازی تأثیر عمیقی بر حافظه سعودی و صهیونیستی گذاشته و رسانه‌های آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی را نیز وادار به پوشش سطح عملیات‌های یمن کرده است.

وی افزود که رسانه جنگی دیگر صرفاً ناقل خبر عملیات‌ها نیست، بلکه به بخشی از میدان نبرد تبدیل شده است. وی با اشاره به دقت تصویربرداری و صداقت در مستندسازی ضربات، تأکید کرد که این امر تضعیف روایت رسانه‌ای عربستان و سکوت مزدوران را به دنبال داشته است.

منصور معتقد است که عربستان در زمینه برنامه‌ریزی و مدیریت رویارویی دچار سردرگمی است و با وجود هزینه کردن ۴ میلیارد دلار برای خرید تسلیحات، هم‌زمان با ایران، چین، مصر و ترکیه برای میانجی‌گری با صنعا تماس می‌گیرد.

وی خاطرنشان کرد که عربستان حدود ۱۰ روز پیش از آمریکا درخواست کرده بود تا در یک حمله نظامی همه‌جانبه با این کشور همکاری و مداخله کند، اما اطلاعات نشان داد که واشنگتن به دلیل تجربه قبلی‌اش با نیروهای مسلح یمن، در این زمینه احتیاط به خرج داده است.



حملات جدید به تأسیسات انرژی عربستان

وال‌استریت ژورنال گزارش داد انصارالله یمن روز سه‌شنبه با پهپاد و موشک چندین تأسیسات انرژی در جنوب عربستان را هدف قرار دادند؛ حملاتی که نگرانی‌ها درباره عرضه جهانی نفت را افزایش داده است.انصارالله یمن اعلام کرد شهرهای ابها، نجران و جازان را هدف قرار داده‌اند. به گفته مقام‌های سعودی، در چند نقطه آتش‌سوزی رخ داد و برخی فعالیت‌ها متوقف شد.

مهم‌ترین هدف، پالایشگاه جازان متعلق به آرامکو بود که ظرفیت پالایش روزانه ۴۰۰ هزار بشکه نفت خام را دارد. افراد مطلع گفتند فعالیت پالایشگاه در پی حمله متوقف شده است. این پالایشگاه پیش از این نیز به دلیل حملات قبلی با ظرفیت کامل کار نمی‌کرد.تأسیسات ذخیره نفت و گاز و یک نیروگاه نیز هدف قرار گرفتند. آرامکو هنوز درباره میزان خسارت اظهار‌نظر نکرده و مشخص نیست حملات چه میزان از تولید و صادرات نفت عربستان را تحت تأثیر قرار داده است.

انصارالله یمن همچنین پایگاه هوایی خمیس مشیط را هدف قرار دادند، اما حمله به فرودگاه جازان، طبق اطلاعات افراد مطلع، ناموفق بوده است.

این حملات در حالی انجام شده که تنش میان انصارالله یمن و عربستان بار دیگر افزایش یافته و انصارالله تهدید کرده کشتی‌ها و نفتکش‌های سعودی را در دریای سرخ هدف قرار خواهند داد. بازار نفت نیز واکنش نشان داد؛ قیمت برنت با ۱.۷ درصد افزایش به ۹۸.۶۲ دلار در هر بشکه رسید و به مرز ۱۰۰ دلار نزدیک شد.

وال‌استریت ژورنال می‌نویسد نگرانی اصلی بازار، احتمال گسترش حملات به تأسیسات نفتی عربستان است؛ به‌ویژه در شرایطی که جنگ آمریکا و ایران پیشاپیش جریان نفت از تنگه هرمز را مختل کرده است.

گرجستان، ایران و فرصت شکل‌دهی به یک شبکه همکاری اوراسیایی

■ گرجستان در سال‌های اخیر به یکی از نمونه‌های مهم سیاست خارجی چنوجویی در محیط ژئوپلیتیکی اوراسیا تبدیل شده است. تفلیس از یک سو بر خلاف برخی تبلیغات رسانه ای، خواهان حفظ روابط نزدیک با ایالات متحده و اتحادیه اروپا و به‌رمندی از مزایای اقتصادی و سیاسی پیوند با غرب است و از سوی دیگر، به‌ویژه پس از جنگ اوکراین، تلاش کرده است از ورود مستقیم به رویارویی اقتصادی با روسیه، ایران و دیگر بازیگران منطقه‌ای در همسایگی خود خودداری کند. این سیاست در قبال ایران نیز نمود پیدا کرده است.

اتحادیه اروپا در گزارش سال ۲۰۲۵ خود درباره گرجستان تصریح کرده که میزان همسویی این کشور با مواضع و رژیم تحریم‌های اتحادیه اروپا کاهش یافته و تا اکتبر ۲۰۲۵ به حدود ۴۰ درصد رسیده است؛ این گزارش همچنین تأکید می‌کند که گرجستان به بخش عمده اقدامات محدودکننده اتحادیه اروپا علیه روسیه، بلاروس و ایران نپیوسته است. در گزارش ۲۰۲۴ نیز همین روند مشاهده می‌شد و نرخ همسویی گرجستان با سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا ۴۹ درصد اعلام شده بود.

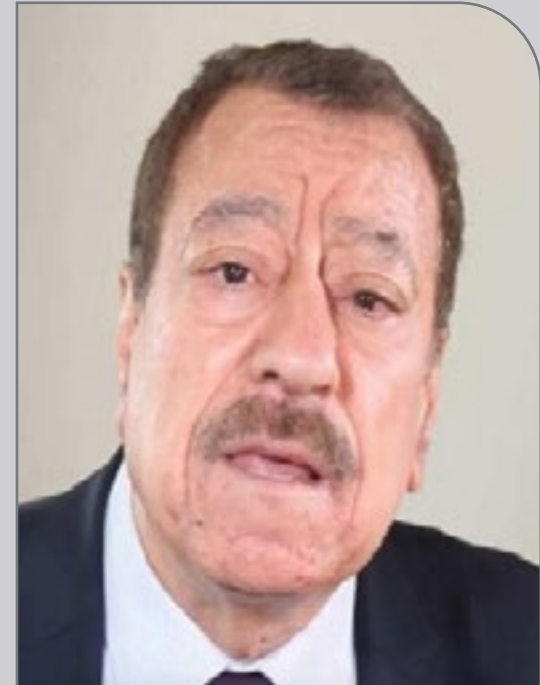
البته این وضعیت به معنای آن نیست که گرجستان به محلی برای بی‌اعتنایی کامل به تحریم‌های آمریکا تبدیل شده است. باتک ملی گرجستان در آوریل ۲۰۲۴ با نمانبده ویژه آمریکا در امور ایران درباره اجرای تحریم‌های مرتبط با ایران گفت‌وگو کرد و بر اقدامات خود در این زمینه تأکید داشت. بنابراین باید میان عدم پیوستن نظام سیاسی گرجستان به نظام تحریم‌ها و عدم رعایت تحریم‌های الزام‌آور برای بانک‌ها و شرکت‌های گرجی تفاوت قائل شد.

با وجود این محدودیت، روابط ایران و گرجستان ظرفیت‌هایی بسیار فراتر از سطح کنونی تجارت دوجانبه دارد. موقعیت گرجستان در ساحل شرقی دریای سیاه و موقعیت ایران در خلیج فارس و دریای عمان، در صورت اتصال به شبکه‌های حمل‌ونقل روسیه و آسیای مرکزی، یک مجموعه ژئواکونومیک مهم برای ایران ایجاد خواهد کرد. چنین شبکه‌ای از طریق افزایش تنوع مسیرهای تجاری، کاهش تمرکز بر مسیرهای تحت کنترل غرب و افزایش قدرت چانه‌زنی ایران، به تابآوری اقتصادی و راهبردی ایران در برابر فشار خارجی که در جنوب با محاصره دریایی غیرقانونی آمریکا مواجه است، کمک می‌کند.

چرا گرجستان به تحریم‌های ایران نپیوسته است؟

سیاست خارجی چندپرداری گرجستان؛ مهم‌ترین عامل را باید در ماهیت سیاست خارجی گرجستان جست‌وجو کرد. تفلیس پس از جنگ ۲۰۰۸ به روسیه، پیوندهای عمیقی با آمریکا و اروپا ایجاد کرد، اما این پیوندها به معنای پذیرش کامل همه سیاست‌های تحریمی غرب نیست. گرجستان به دلیل همسایگی با روسیه و وابستگی قابل توجه اقتصاد آن به تجارت، گردشگری، حمل‌ونقل و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای، نمی‌تواند به‌آسانی در همه منازعات اقتصادی و سیاسی غرب علیه مسکو دخالت کند و البته خاطره تلخ درگیری نظامی با روسیه و تبعات سنگین آن را فراموش نکرده است.

همین منطق درباره ایران نیز تا اندازه‌ای اعمال شده است. برای گرجستان، ایران به هیچ وجه یک تهدید نظامی نیست، بلکه یک کشور همسایه در منطقه، بازاری بالقوه، منبع قابل اعتماد تامین انرژی و



ایران و تغییر استراتژی جنگی

■ یک تحلیلگر ارشد منطقه‌ای، با اشاره به اینکه ایران استراتژی خود را در جنگ با آمریکا تغییر داده؛ نوشت که تهران در روزهای اخیر با اقدامات بی‌سابقه خود نام خود را در تاریخ ثبت کرده است.

عبدالباری عطوان تحلیلگر راهبردی مسائل منطقه‌ای در مقاله خود به تحولات روزهای اخیر تنش در منطقه پرداخته و درگیری‌های خاورمیانه را از دو منظر جنگ نفت‌کش‌ها میان آمریکا و ایران و پاسخ موشکی ایران در بمباران یک ناو هواپیمابر و دو ناوشکن آمریکایی و همچنین سکوت خفت بار آمریکا در برابر این اتفاق و عقب نشینی ترامپ از تهدیدات خود، مورد توجه قرار داد.

در این مقاله آمده است که مقامات ایران استراتژی جدیدی را جایگزین استراتژی قدیمی خود کرده‌اند. آنها استراتژی «خوشتن‌داری» و پاسخ‌های «محاسبه‌شده» و دقیق برای جلوگیری از تشدید تنش را کنار گذاشته و «پاسخ انتقام جویانه و بسیار سریع»، گسترش دایره جنگ و ورود موشک‌های دقیق جدید به میدان نبرد را در پیش گرفته‌اند که منجر به ایجاد شوک در طرف مقابل و در نتیجه عقب‌نشینی طرفین آمریکایی و صهیونیستی می‌شود.

وی به شاخص‌های متعددی از جمله تهدیدات مکرر مقامات ایرانی شامل سردار محسن رضایی دبیر شورای عالی امنیت ملی و محمد باقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی ایران و حشت آمریکایی‌ها از احتمال موشک باران پایگاه‌های آنها در اردن و مناطق دیگر منطقه اشاره کرده و نوشت که درست به دلیل همین استیصال بود که بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از پناهگاه زیرزمینی خود، تهدید کرد که اگر ایران به سرزمین‌های اشغالی حمله کند، تل آویو حملاتی را انجام خواهد داد که تهران حتی تصورش را هم نمی‌تواند بکند.

عطوان می‌افزاید که سران سیاسی و فرماندهان نظامی جدید ایران از «حمله مستطانه» به «حمله گسترده» تغییر موضع داده و از تمامی تسلیحات جدیدی که در رویارویی‌های گذشته استفاده نشده بود، بهره‌ برند.

این امر برای تثبیت سیاست بازدارندگی بر پایه «پیش‌دستی در حمله فوری و سریع به اهداف دشمن» و عدم انتظار برای حملات دشمن است.

محمد باقر قالیباف، سیاست جدید بازدارندگی ایران را اینگونه خلاصه کرد که «در صورت هرگونه اختلال در صادرات نفت ایران، حتی یک قطره نفت از تنگه هرمز یا سایر نقاط عبور نخواهد کرد»؛ این به معنای ادامه بسته بودن تنگه‌های هرمز و باب‌المندب و ضربه زدن به چاه‌های نفت و شرکت‌های نفتی آمریکا در کل منطقه بعلاوه پایگاه‌های نظامی آن‌هاست.

تحلیلگر ارشد منطقه با اشاره به اینکه اکثریت قریب به اتفاق کشورهای نفتی عربی و به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس، در طول ۵ ماه گذشته حتی یک دلار از صادرات نفت و گاز خود به خزانه واریز نکرده اند، افزود که این امر منجر به کسری بودجه‌های مرگبار شده و آن‌ها را ناچار کرده یا به ذخایر مالی خود در بانک‌های غربی متکی شوند یا برای جبران کسری به وام‌های مالی روی بیاورند.

همچنین اکثر این کشورها برای آمادگی در برابر طولانی شدن این جنگ، به مدیریت هزینه‌های داخلی و سیاست‌های ریاضتی روی آورده‌اند.

عطوان با اشاره به تهدیدات نتانیاهو علیه ایران با وجود شکست‌های مکرر در تغییر حاکمیت این کشور افزود که آنچه نتانیاهو نمی‌داند یا نادیده می‌گیرد، این است که اقدام به انجام حمله بزرگ علیه ایران می‌تواند منجر به زوال رژیم صهیونیستی در عرض چند ساعت شود.

وی افزود که عقب‌نشینی نتانیاهو از مشارکت آمریکا در تجاوز اخیر به ایران، ناشی از ترس از موشک‌های دقیق ایرانی و موشک‌های مقاومت در لبنان، یمن و عراق بود.

او در دو سال گذشته سه بار تجاوز به ایران را آزموده و نتیجه آن، ویرانی چندین شهر در سرزمین‌های اشغالی از تل‌آویو بزرگ گرفته تا حیفا، دیمونا، ایلات و صفد بوده است. اما او اجازه انتشار تصاویر این ویرانی‌ها در رسانه‌ها را نمی‌دهد.

عطوان در پایان مقاله خود نوشت که این اسرائیل نیست که بیش از هر زمان دیگری قدرتمند شده است، بلکه ایران است که به عنوان نخستین کشوری که جرأت کرده به ناوهای هواپیمابر آمریکا -چه به صورت مستقیم و چه از طریق متحدانش - حمله کند، وارد تاریخ شده است.



چرا پالایشگاه‌ها مازوت بیشتری از بنزین تولید می‌کنند؟



جای‌جا کند. در کنار محدودیت‌های بیرونی مانند تحریم و مانند تحریم و سختی دسترسی به فاینانس ارالش داخلی هم وجود دارد: مدل اقتصادی و انگیزه سرمایه‌گذاری. وقتی سازوکار قیمت‌گذاری و تسویه حساب فرآورده‌ها، سیاست‌های پایدار تشویقی و تضمین بازگشت سرمایه به اندازه کافی شفاف نباشد، تصمیم‌گیری برای ورود به پروژه‌های چندمیلیاردلاری دشوار می‌شود. پالایشگاه باید مطمئن باشد که اگر امروز هزینه سنگین برای کاهش تولید مازوت و افزایش تولید بنزین انجام می‌دهد، فردا از مسیر حاشیه سود واقعی و پایدار منتفع خواهد شد. در همین زمینه، امیرحسین رفیعی کارشناس انرژی، معتقد است: «مسئله پالایشگاه‌های ایران فقط ظرفیت نیست؛ مسئله اصلی آرایش پالایشی است. تا زمانی که پروژه‌های تبدیل عمیق مثل هیدروکراکینگ یا واحدهای ارتقای ته‌مانده به نتیجه نرسد، ما عملاً بخشی از ارزش نفت خام را به شکل مازوت ارزان‌قیمت از دست می‌دهیم. این موضوع هم روی تراز بنزین فشار می‌آورد و هم در صادرات، ما را مجبور به تخفیف‌های جدی می‌کند.» این نگاه، به یک نکته کلیدی اشاره دارد: سرمایه‌گذاری در پالایشگاه، اگر به سمت «افزایش پیچیدگی و تبدیل عمیق» نرود، حتی با افزایش ظرفیت اسمی نیز به حل پایدار مشکلاتی مثل ناترازی محصول بیشتری هم که تولید می‌کند، همچنان سهم بالایی از آن مازوت خواهد بود. پیامدها برای مردم و اقتصاد: از ناترازی بنزین تا هزینه‌های آلودگی و صادرات بالا بدون تولید مازوت یک مسئله صرفاً صنعتی نیست؛ اثر آن به زندگی روزمره مردم و هزینه‌های کلان اقتصاد می‌رسد. اولین پیامد، فشار بر تراز بنزین است. هرگاه مصرف از تولید جلو می‌زند، گزینه‌های سیاست‌محدود می‌شود: یا باید

واردات انجام داد، یا با سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی مصرف را کنترل کرد، یا ترکیبی از هر دو را به کار گرفت. در این میان، اصلاح آرایش پالایشگاه‌ها و بالا بردن بازده بنزین، یکی از راهکارهای بنیادی و بلندمدت به شمار می‌رود؛ زیرا به جای مدیریت پیامدها، علت را هدف قرار می‌دهد. دومین پیامد، کاهش درآمد و افزایش هزینه در تجارت خارجی فرآورده‌هاست. نفت‌کوره در بازار جهانی، نسبت به فرآورده‌های سبک‌تر جذابیت کمتری دارد و در بسیاری از مسیرهای صادراتی با محدودیت‌های کیفی و تقاضای نزولی مواجه است. بنابراین، هرچه سهم مازوت در سبد تولید بالاتر باشد، یعنی بخشی از درآمد باقی‌مانده کشور به دلیل ترکیب نامناسب محصولات از دست می‌رود یا با تخفیف‌های سنگین محقق می‌شود. سومین پیامد، اثرات زیست‌محیطی است؛ به‌ویژه در فصل سرد که با ناترازی گاز طبیعی، نیروگاه‌ها و برخی صنایع به مصرف سوخت مایع روی می‌آورند. در این شرایط، مازوت به یک سوخت جایگزین تبدیل می‌شود و مصرف آن می‌تواند به تشدید آلودگی هوا، افزایش بیماری‌های تنفسی و هزینه‌های اجتماعی و درمانی منجر شود. از این زاویه، کاهش تولید و مصرف مازوت فقط یک هدف اقتصادی نیست؛ یک هدف مهم سلامت عمومی و محیط زیست نیز هست. جمع‌بندی اینکه «بنزین کم و مازوت زیاد» بیشتر از آنکه یک مشکل مقطعی باشد، یک نشانه از شکاف فناوری و حکمرانی سرمایه‌گذاری در صنعت پالایش است. مسیر اصلاح، افزایش صرف ظرفیت پالایشی نیست؛ بلکه حرکت به سمت تبدیل عمیق، تکمیل زنجیره واحدهای ارتقای، تأمین مالی پایدار و تعریف مشوق‌هایی است که پالایشگاه را به کاهش نفت‌کوره و افزایش فرآورده‌های باکیفیت سوق دهد. بدون چنین چرخشی، کشور همچنان میان ناترازی بنزین، صادرات کم‌بازده مازوت و هزینه‌های سنگین زیست‌محیطی در رفت‌وآمد خواهد بود.

در حالی که مصرف بنزین رو به افزایش است، پالایشگاه‌های قدیمی هنوز بخش زیادی از نفت خام را به مازوت کم‌ارزش تبدیل می‌کنند. افزایش مصرف بنزین و بازگشت سایه واردات، دوباره نگاه‌ها را به سمت پالایشگاه‌ها برده است. اما ریشه بخشی از مسئله نه در «کمبود ظرفیت پالایش» که در «کیفیت پالایش» قرار دارد؛ یعنی اینکه از هر بشکه نفت خام چه سهمی به بنزین و گازوئیل و سوخت جت تبدیل می‌شود و چه سهمی به نفت‌کوره (مازوت) کم‌ارزش می‌رسد. در بسیاری از پالایشگاه‌های کشور، نسبت تولید بنزین به مازوت هنوز بهینه نیست و فاصله محسوس با الگوی پالایشگاه‌های روز دنیا دارد؛ شکافی که هم بر تراز سوخت داخلی اثر می‌گذارد، هم درآمد صادراتی را محدود می‌کند و هم هزینه‌های زیست‌محیطی را بالا می‌برد.

گلوگاه «ته بشکه»؛ جایی که ارزش افزوده ساخته یا نابود می‌شود در صنعت پالایش، تعیین‌کننده‌ترین نقطه اقتصادی یک پالایشگاه «ته بشکه» است؛ یعنی همان بخش سنگین نفت خام که بعد از تقطیر باقی می‌ماند. اگر پالایشگاه فقط به واحدهای پایه مانند تقطیر، اتمسفری و تقطیر در خلأ تکیه کند، حجم قابل توجهی از خوراک در نهایت به برش‌های سنگین و نفت‌کوره تبدیل می‌شود. اما در پالایشگاه‌های مدرن، فلسفه این است که ته‌مانده‌ها باید تا حد ممکن «تبدیل» شوند؛ یعنی با واحدهای تبدیل عمیق و

ارتقای، به فرآورده‌های سبک‌تر و باارزش‌تر تبدیل شوند. به بیان ساده، دو پالایشگاه با ظرفیت اسمی برابر می‌توانند خروجی کاملاً متفاوت داشته باشند: یکی با فناوری تبدیل عمیق، سهم بالایی بنزین و گازوئیل کم‌و‌گردد تولید می‌کند و سهم نفت‌کوره را به حداقل می‌رساند؛ دیگری به دلیل محدودیت فناوری، ناچار است بخش قابل توجهی از نفت خام را به مازوت تبدیل کند. این تفاوت فقط یک انتخاب فنی نیست؛ مستقیماً به ارزش افزوده ملی گره خورده است. هرچه سهم مازوت بالاتر باشد، یعنی بخشی از نفت خام که می‌توانست به محصولات با قیمت و تقاضای بالاتر تبدیل شود، به فرآورده‌ای کم‌ارزش‌تر ختم شده است. واحدهای کلیدی برای اصلاح این نسبت، معمولاً در سه دسته تعریف می‌شوند: واحدهای شکست کاتالیستی (برای شکستن مولکول‌های سنگین و افزایش تولید بنزین)، واحدهای هیدروکراکینگ و هیدروتزینینگ (برای تبدیل و هم‌زمان گوگردزایی عمیق و تولید میان‌تقطیرهای باکیفیت) و واحدهای کک‌سازی (برای مدیریت ته‌مانده‌های سنگین و کاهش وابستگی به تولید نفت‌کوره). نبود کامل یا کمبود ظرفیت این واحدها در بخشی از پالایشگاه‌های نفت‌خام کشور، دلیل اصلی بالا ماندن سهم مازوت و پایین‌تر بودن سهم فرآورده‌های سبک نسبت به استانداردهای جهانی است. اقتصاد سیاسی نوسازی؛ چرا پروژه‌های کیفی‌سازی کند پیش می‌روند؟ بهینه‌سازی نسبت تولید بنزین به مازوت، بیش از هر چیز به «نوسازی و ارتقای فناوری» نیاز دارد؛ اما این مسیر ساده و کوتاه‌مدت نیست. پروژه‌های تبدیل عمیق، سرمایه‌بر هستند، زمان اجرا طولانی دارند و به زنجیره‌ای از تجهیزات سنگین، مهندسی پیشرفته، کاتالیست‌های خاص و تأمین پایدار هیدروژن نیاز دارند. در چنین پروژه‌هایی، هر وقفه در تأمین مالی یا هر گلوگاه در خرید تجهیزات، می‌تواند زمان‌بندی را سال‌ها

صندوق‌های ارزی منابع خود را در چه دارایی‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند؟



به‌صورت غیرمستقیم از محل صادرات و زنجیره ارزش‌آوری بازپرداخت می‌شوند. مزیت این بخش آن است که در مقایسه با سپرده یا اوراق کم‌ریسک، بازده بالقوه بالاتری دارد. اما طبیعتاً ریسک آن نیز بیشتر است و به همین دلیل باید با دقت انتخاب شود. در صندوق‌های حرفه‌ای، ورود به پروژه صرفاً زمانی منطقی است که چند شرط هم‌زمان برقرار باشد: نخست، پروژه دارای مدل درآمدی روشن باشد؛ دوم، تضمین کافی برای بازپرداخت اصل و سود سرمایه وجود داشته باشد؛ و سوم، جریان درآمدی آن با ارز صندوق هم‌خوانی داشته باشد. در غیر این‌صورت، سرمایه‌گذاری ارزی ممکن است به جای تولید بازده، صرفاً به انجماد منابع منجر شود. در همین‌باره، علی‌رضایی، کارشناس بازار سرمایه، می‌گوید: «صندوق ارزی نباید فقط به‌دنبال نگهداری ارز باشد؛ مأموریت اصلی آن این است که منابع را به دارایی‌هایی منتقل کند که هم ارزش پول را حفظ کند و هم به پروژه‌های واقعی یا درآمد ارزی کمک کند. اگر ترکیب دارایی به‌درستی طراحی شود، صندوق می‌تواند هم برای سرمایه‌گذار مطمئن باشد و هم برای اقتصاد مولد مفید واقع شود. مفید واقع شود در چنیش سبد این صندوق‌ها باید میان دارایی‌های کم‌ریسک و دارایی‌های رشد محور توازن وجود داشته باشد، زیرا تمرکز بیش از حد بر یک نوع دارایی، صندوق را در برابر نوسان‌های سیاسی، ارزی و عملیاتی آسیب‌پذیر می‌کند.

پلا، تنوع ارزی و مدیریت ریسک در کنار ابزارهای مالی کلاسیک، **ملا** نیز جایگاه مهمی در مدل

در شرایطی که تأمین مالی ارزی برای پروژه‌های بزرگ صنعتی، انرژی و صادرات‌محور بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده، پرسش اصلی این است که صندوق‌های ارزی منابع جذب‌شده را در چه دارایی‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند و چگونه می‌توان میان امنیت، بازده و نقدشوندگی تعادل ایجاد کرد.

تجربه‌بازارهای مالی نشان می‌دهد هر صندوقی که با ارز سروکار دارد، پیش از هر چیز باید به اصل «حفظ ارزش پول» پایبند باشد؛ اما این تنها بخشی از ماجراست، زیرا اگر منابع تنها در دارایی‌های بسیار کم‌ریسک اما کم‌بازده بماند، عملاً توان اثرگذاری صندوق بر توسعه پروژه‌ها کاهش پیدا می‌کند. از همین‌رو، طراحی یک مدل تخصیص دارایی یا Asset Allocation برای صندوق‌های ارزی، به معنای چیدن ترکیبی از ابزارهای متنوع مالی است که بتواند هم ریسک را کنترل کند و هم بازده قابل‌قبولی به همراه داشته باشد.

سپرده ارزی و اوراق؛ ستون‌های اصلی سبد در یک صندوق ارزی، نخستین لایه سرمایه‌گذاری معمولاً به سپرده‌های ارزی نزد بانک‌های معتبر اختصاص می‌یابد. این بخش به‌ویژه برای مدیریت نقدینگی و پاسخ‌گویی به تعهدات کوتاه‌مدت اهمیت دارد. سپرده ارزی، هرچند بازدهی بالایی ندارد، اما نقش حفاظتی آن بسیار مهم است. صندوقی که همه منابع خود را در پروژه‌های بلندمدت قفل کند، در صورت نیاز به پرداخت‌های ناگهانی یا خروج سرمایه‌گذار، با مشکل مواجه می‌شود. بنابراین نگهداری بخشی از منابع در سپرده‌های کوتاه‌مدت ارزی، نوعی ضربه‌گیر مالی برای صندوق محسوب می‌شود. در کنار سپرده، اوراق بدهی ارزی و صکوک ارزی نیز از مهم‌ترین ابزارهای قابل‌استفاده هستند. این اوراق معمولاً برای تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای در حوزه نفت، گاز، پتروشیمی، نیرو و زیرساخت منتشر می‌شوند و می‌توانند بازدهی مشخص و قابل‌پیش‌بینی داشته باشند.

برای صندوق ارزی، خرید چنین اوراقی یک مزیت مهم دارد: جریان درآمدی آن تا حد زیادی با ذات منابع صندوق هم‌خوان است و در صورت وجود تضمین کافی، ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، اگر ناشر اوراق از محل درآمدهای صادراتی یا قراردادهای بلندمدت تسویه کند، اطمینان بیشتری برای سرمایه‌گذار ایجاد می‌شود. به همین دلیل، بسیاری از متخصصان معتقدند ستون اصلی سبد صندوق‌های ارزی باید بر پایه همین دو ابزار، یعنی سپرده و اوراق، شکل بگیرد.

پروژه‌های صادرات‌محور؛ موتور بازدهی صندوق در این حال، اگر هدف صندوق تنها حفظ ارزش نباشد و بخواهد در توسعه اقتصادی نیز نقش ایفا کند، بخش دیگری از منابع باید به **تأمین مالی مستقیم پروژه‌های صادرات‌محور و زیرساختی اختصاص یابد. این بخش می‌تواند شامل مشارکت در توسعه میادین انرژی، احداث نیروگاه‌های بزرگ، پروژه‌های پتروشیمی، صنایع فلزی یا طرح‌های لجستیکی باشد؛ طرح‌هایی که یا درآمد ارزی دارند یا



تخصیص بنزین به کد ملی

بحث درباره تخصیص بنزین به کد ملی، بار دیگر مسئله اصلاح سیاست سوخت را به یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوهای کارشناسی تبدیل کرده است. در این طرح، ایده اصلی آن است که پارانه بنزین به‌جای خودرو، به افراد یا خانوارها تعلق گیرد؛ اما همچنان پرسش‌های مهمی درباره قیمت بنزین، امکان اجرای عملیاتی طرح، سازوکار مبادله سهمیه و آثار آن بر مصرف‌کنندگان، به‌ویژه ساکنان حاشیه شهرها، وجود دارد. بصیریان، پژوهشگر حوزه انرژی، در گفت‌وگو با خبرنگار مهر، با تأکید بر اینکه مسئله بنزین صرفاً به قیمت یا نحوه توزیع سهمیه محدود نمی‌شود، گفت: پیش از آنکه درباره ابزارهای سیاستی تصمیم بگیریم، باید منشأ واقعی تقاضای بنزین را دقیق بشناسیم. ناترازی بنزین در سطح ملی دیده می‌شود، اما ریشه تقاضا در همه مناطق کشور یکسان نیست. وی افزود: تهران، شهرهای حاشیه‌ای، مناطق مرزی، کردیروهای ترانزیتی و مناطق گردشگرپذیر، هر کدام الگوی متفاوتی از مصرف دارند. بنابراین، نسخه واحد برای کل کشور — چه افزایش قیمت باشد و چه تخصیص سهمیه — نمی‌تواند همه ابعاد مسئله را حل کند. تخصیص بنزین به کد ملی: راه‌حل ناترازی یا صرفاً تغییر شکل توزیع بارانه؟

بصیریان درباره طرح تخصیص بنزین به کد ملی اظهار کرد: اصل اینکه پارانه سوخت از خودرو به فرد یا خانوار منتقل شود، می‌تواند از منظر عدالت توزیعی قابل بررسی باشد؛ زیرا در وضع موجود، فردی که خودروهای متعدد یا مصرف بیشتری دارد، معمولاً از پارانه بیشتری استفاده می‌کند. اما مسئله اینجاست که این ابزار نباید به‌عنوان راه‌حل نهایی ناترازی بنزین معرفی شود. وی ادامه داد: اگر تخصیص اعتبار یا سهمیه پایه به افراد بدون شناخت الگوی تقاضا در مناطق مختلف و بدون ایجاد امکان واقعی برای جایگزینی سفر یا خودروی شخصی اجرا شود، احتمالاً بخش مهمی از مسئله باقی می‌ماند. به‌ویژه در حاشیه کلان‌شهرها، بسیاری از سفرهای روزانه برای رفتن به محل کار، مدرسه، درمان یا انجام امور ضروری انجام می‌شود و امکان حذف ساده آن وجود ندارد. این پژوهشگر حوزه انرژی گفت: باید میان «حق دسترسی پایه» و «مصرف مازاد» تفاوت قائل شد. می‌توان برای افراد یا خانوارها یک اعتبار پایه در نظر گرفت، اما مصرف بالاتر از آن باید در چارچوبی روشن، تدریجی و متناسب با شرایط اقتصادی خانوارها مدیریت شود. در عین حال، سیاست تخصیص نباید جایگزین سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل عمومی شود.

قیمت بنزین در این طرح چقدر خواهد شد؟

بصیریان در پاسخ به این پرسش که قیمت بنزین در طرح تخصیص به کد ملی چه میزان خواهد بود، گفت: تا زمانی که طراحی دقیق طرح، میزان اعتبار پایه، شیوه قیمت‌گذاری مصرف مازاد، نحوه حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و سازوکار نظارت بر اجرا مشخص نشود، نمی‌توان یک عدد قطعی برای قیمت اعلام کرد. وی افزود: مسئله فقط تعیین یک نرخ جدید نیست. باید روشن شود خانواری که در منطقه‌ای با دسترسی مناسب به مترو و اتوبوس زندگی می‌کند، با خانواری که در حاشیه شهر و بدون دسترسی مؤثر به حمل‌ونقل عمومی سکونت دارد، چگونه در سیاست‌گذاری دیده می‌شوند. اگر قرار باشد یک نرخ واحد بدون توجه به تفاوت‌های جغرافیایی و اجتماعی اعمال شود، احتمال دارد فشار اصلی بر کسانی وارد شود که مصرفشان از روی انتخاب نیست، بلکه ناشی از نبود جایگزین است. بصیریان تأکید کرد: اصلاح قیمت، اگر ضرورت پیدا کند، باید تدریجی باشد و پس از ایجاد گزینه‌های جانشین انجام شود. نمی‌توان ابتدا هزینه سفر را برای مردم افزایش داد و بعد وعده توسعه مترو، قطار حومه‌ای یا اتوبوس‌رانی را داد.

بازنگری در ساختار سهمیه‌بندی برای مدیریت تقاضای فصلی

بصیریان در ادامه با اشاره به افزایش تقاضای بنزین در دوره‌های اوج سفر، به‌ویژه تعطیلات و فصل تابستان، گفت: سیاست سهمیه‌بندی باید بتواند میان مصرف عادی خانوار و تقاضای فصلی ناشی از سفر تمایز قائل شود. در چنین شرایطی، حفظ یک سهمیه پایه برای مصرف‌کنندگان ضروری است، اما برای مصرف مازاد نیز باید امکان تأمین سوخت با قیمت اقتصادی و در سازوکاری شفاف وجود داشته باشد. وی افزود: در مسیرهای بین‌راهی و مناطق مسافرپذیر، الگوی تقاضا با مصرف روزمره شهروندان تفاوت دارد. نمی‌توان مصرف بالایی بنزین در این مناطق را صرفاً با تقسیم فروش جایگاه‌ها بر جمعیت ساکن تحلیل کرد؛ زیرا بخش بزرگی از مصرف مربوط به جمعیت شناور و خودروهای غیرومی است. بنابراین، سیاست‌گذاری در این مناطق باید متناسب با تقاضای سفر و شرایط فصلی باشد. این پژوهشگر حوزه انرژی اظهار کرد: مدل ترکیبی سهمیه پایه و امکان خرید سوخت مازاد با قیمت آزاد یا اقتصادی، می‌تواند به مدیریت بهتر تقاضا در دوره‌های اوج سفر کمک کند؛ مشروط بر آنکه سازوکار آن شفاف باشد و به ایجاد صف، واسطه‌گری یا فشار نامتعارف بر خانوارها منجر نشود.

بصیریان تأکید کرد: هدف از چنین مدلی نباید صرفاً افزایش قیمت سوخت باشد؛ بلکه باید مدیریت تقاضا، کاهش فشار بر شبکه عرضه در دوره‌های پرتدد و ایجاد امکان انتخاب برای مسافرانی باشد که مصرف آنها از سطح پایه فراتر می‌رود. طرح تخصیص به کد ملی عملیاتی است؟

این پژوهشگر انرژی درباره امکان اجرای طرح گفت: از نظر فنی، تخصیص اعتبار یا سهمیه به افراد، در اصل قابل طراحی است؛ اما عملیاتی بودن یک طرح صرفاً به وجود سامانه پرداخت یا کارت سوخت محدود نمی‌شود. مسئله اصلی، کیفیت داده‌ها و توانایی سیاست‌گذار در شناسایی الگوهای واقعی مصرف است. وی افزود: برای اجرای دقیق چنین طرحی، باید اطلاعات مربوط به محل مصرف، نوع خودرو، پلاک، تردد، جمعیت شناور، سفرهای بین‌شهری، مناطق مرزی و گردشگری و همچنین دسترسی مردم به حمل‌ونقل عمومی، به‌صورت یکپارچه تحلیل شود. در غیر این صورت، ممکن است یک سیاست به ظاهر عادلانه، در عمل تفاوت میان مصرف ضروری و غیرضروری را نادیده بگیرد.

یک معدن ودوبهبود



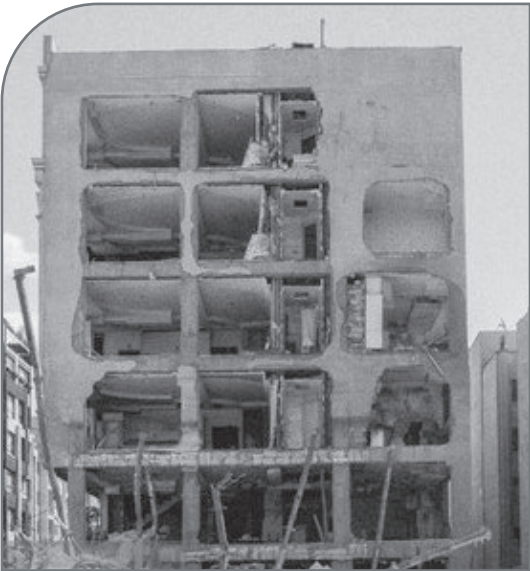
«بهبود معادن» اگر فقط از روی تولید، سرمایه‌گذاری، استخراج و فراوری سنجیده شود، چیز زیادی درباره وضع معدن کاری نمی‌گوید. یک سوی معدن بیشتر تولید می‌کند؛ سوی دیگر هنوز قربانی می‌گیرد.

ریزش معدن اَلْبِلَاغ اسفراین در ۱۶ شهریور ۱۴۰۵، یک کشته و دو مصدوم داشت. یک حادثه‌ی معدنی دیگر و دو عدد که بزرگ نیستند، اما اسم اَلْبِلَاغ را در خبرهای سال‌های گذشته هم دیده‌ایم و تکرار، گاه نشان می‌دهد آنچه می‌بینیم فقط یک اتفاق ساده نیست.

در سال ۱۳۹۸ این معدن هفت بار ریزش کرد و شش کارگر در همین ریزش‌ها جان باختند. دو مورد از مرگ‌ها در ۲۰ و ۲۷ آذر، هنگام حفاری غیرمجاز رخ داده بود. چند ماه بعد، در اردیبهشت ۱۳۹۹، گزارش خبرگزاری دانشجو هنوز از تونل‌های غیراصولی، استخراج دستی، حمل سنگ با الاغ و کوله‌بستی و فروش آن به دلالتان پایین کوه می‌نوشت. فریاد بی‌صدای فقر از گزارش بلند است. تا آن زمان شمار جان‌باختگان برداشت‌های خطرناک به شش نفر رسیده بود و مقام‌های مختلف درباره حفاظت، مجوز و مسئولیت معدن با هم اختلاف داشتند.

بعد زبان خبرها تغییر کرد. در گزارش ایرنا در مرداد ۱۴۰۳، صحبت از ساماندهی، اکتشاف، صدور پروانه‌ی بهره‌برداری، ساخت راه دسترسی، ایجاد کارخانه‌ی فراوری سرب و روی، جلوگیری از خام‌فروشی و افزایش ارزش افزوده است. در خبرهای بعدی نیز در مورد واگذاری، مردمی‌سازی، توسعه‌ی صنایع پایین‌دستی و تبدیل معدن به موتور توسعه منطقه می‌خوانیم. در مرداد ۱۴۰۵ نیز خبر‌ها از واگذاری تخصصی، کارخانه فراوری و تکمیل زنجیره ارزش می‌گفتند.

بهبود وضع معدن دو معنی دارد. بخشی از آن به اقتصاد معدن



مسابقه عکاسی «روایت جنگ رمضان»

■ به نقل از روابطعمومی رویداد، مهدی قمی شهردار منطقه ۱۱ تهران، از برگزاری مراسم اختتامیه مسابقه عکاسی «روایت جنگ رمضان» در روز چهارشنبه ۱۸ شهریور خبر داد و گفت: در این مراسم علاوه بر معرفی و قدردانی از برگزیدگان، نمایشگاه ۳۱ اثر منتخب این مسابقه نیز افتتاح خواهد شد. این رویداد با هدف ثبت و ماندگار کردن بخشی از وقایع و جلوه‌های انسانی، اجتماعی و حماسی جنگ و همچنین نمایش همدلی و همراهی مردم در روزهای سخت جنگ تحمیلی سوم برگزار شد.

وی بیان کرد: در جریان این مسابقه، بیش از ۸۰۰ اثر از سوی عکاسان به دبیرخانه ارسال شد که پس از بررسی و داوری آثار، ۳۱ اثر از ۱۷ عکاس برای حضور در بخش نمایشگاهی انتخاب شدند. این آثار روایت‌های متنوعی از روزهای جنگ، امدادرسانی، حضور گروه‌های جهادی، فعالیت نیروهای مسلح و دستگاه‌های مختلف، عواطف مردم، خانواده‌ها و کودکان و همچنین امید به زندگی را به تصویر کشیده‌اند.

شهردار منطقه ۱۱ با بیان اینکه عکس می‌تواند به‌عنوان سندی ماندگار از یک مقطع تاریخی عمل کند، عنوان کرد: تلاش ما این بود که در قالب این مسابقه، فرصت ثبت تصویری لحظاتی فراهم شود که شاید در گذر زمان جزئیات آن به فراموشی سپرده شود اما قاب دوربین عکاسان می‌تواند آنها را برای آیندگان حفظ کند. وی اظهار کرد: مراسم اختتامیه مسابقه عکاسی «روایت جنگ رمضان» روز چهارشنبه ۱۸ شهریور در بلدیه منطقه ۱۱ برگزار می‌شود و در کنار این مراسم، نمایشگاه آثار منتخب نیز افتتاح خواهد شد تا شهروندان و علاقه‌مندان بتوانند از نزدیک مجموعه ۳۱ عکس برگزیده را مشاهده کنند.

قمی در پایان با اشاره به تلاش عکاسان در جریان جنگ تحمیلی سوم گفت: عکاسان در این مسابقه تلاش کردند تصویری واقعی و انسانی از روزهای جنگ و واکنش جامعه به این شرایط ارائه دهند و بخشی از این روایت‌ها در نمایشگاه پیش‌رو در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت. امیدواریم برگزاری این نمایشگاه، علاوه بر قدردانی از تلاش عکاسان، فرصتی برای گفتگو درباره نقش هنر و رسانه در ثبت تاریخ معاصر و انتقال تجربه‌های اجتماعی به نسل‌های آینده باشد.



■ ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ ز نمی‌توان از چند روز قبلش جدا کرد. «جمعه سیاه»

ناگهان از دل یک صبح شهری بیرون نیامد؛ پشت آن، ماه‌ها اعتراض، اعتصاب، راهپیمایی و افزایش فاصله میان مردم و حکومت پهلوی قرار داشت. سال ۱۳۵۷، اعتراض‌ها به مرحله‌ای رسیده بود که دیگر با تغییر یک نخست‌وزیر یا وعده اصلاحات نمی‌شد آن را مهار کرد. حکومت پهلوی در تلاش بود با تغییر چهره دولت و طرح شعار «اشتی ملی» از شدت نارضایتی‌ها کم کند، اما خیابان مسیر دیگری را طی می‌کرد. در چنین شرایطی، اتفاقات پی‌درپی بر خشم عمومی می‌افزود. آتش‌سوزی سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد و پیامدهای سیاسی آن، استعفای دولت جمشید آموزگار و روی کار آمدن دولت جعفر شریف‌امامی، بخشی از فضای بود که کشور را به سمت بحرانی تازه می‌برد. از سوی دیگر، اعتراض‌های مذهبی و سیاسی که در ماه‌های گذشته شکل گرفته بود در ماه رمضان فرصت بیشتری برای سازماندهی پیدا کرد. مسجدها به محل تجمع، گفت‌وگو و هماهنگی معترضان تبدیل شده بودند و شبکه‌ای که پیش‌تر پراکنده بود، حالا می‌توانست جمعیت‌های بزرگ را به خیابان بکشاند.

حکومت البته تنها با اعتراض‌های سیاسی مواجه نبود؛ مسئله اصلی، از دست رفتن تدریجی اعتماد عمومی بود. هر واکنش خشونت‌آمیز حکومت می‌توانست به جای پایان دادن به اعتراض‌ها، جمعیت بیشتری را به خیابان بیاورد. از همین رو، آنچه در شهریور ۱۳۵۷ رخ داد، حاصل انباشته‌شدن اعتراض‌هایی بود که در ماه‌های پیش از آن فرصت بروز پیدا کرده بودند.

از نماز عید فطر تا خیابان‌های تهران

نقطه عطف بعدی، ۱۳ شهریور بود؛ روز عید فطر. راهپیمایی بزرگی که پس از برگزاری نماز عید شکل گرفت، به یکی از گسترده‌ترین تجمعات اعتراضی آن دوره تبدیل شد. جمعیتی که به خیابان آمده بود، نشان داد اعتراض دیگر محدود به گروهی خاص یا محله‌ای مشخص نیست و می‌تواند بخش‌های مختلف جامعه را با خود همراه کند.همین راهپیمایی، معترضان را به ادامه حضور خیابانی امیدوار کرد. تظاهرات در روزهای بعد نیز ادامه یافت و تهران به تدریج چهره‌ای متفاوت پیدا کرد؛ خیابان‌ها دیگر فقط مسیر رفت‌وآمد مردم نبودند، بلکه به صحنه رویارویی جامعه و حکومت تبدیل شده بودند.پس از تظاهرات گسترده ۱۶ شهریور، حکومت برای جلوگیری از ادامه اعتراض‌ها تصمیم به برقراری حکومت نظامی گرفت. تهران و چند شهر بزرگ دیگر، از جمله کرج، قم، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز و اهواز، مشمول حکومت نظامی شدنداین روند در ۱۶ شهریور به اوج رسید. بازار تهران تعطیل شد و جمعیتی بسیار گسترده در خیابان‌ها حضور یافتند. در روایت‌های مربوط به این روز، از آن به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تظاهرات ضدحکومتی تا آن زمان یاد شده است. حضور جریان‌های مختلف سیاسی در کنار یکدیگر نیز نشان می‌داد که اعتراض‌ها از مرز یک جریان یا گروه مشخص عبور کرده است.حتی شعارها نیز نشانه تغییر مرحله اعتراض بود. در راهپیمایی ۱۶ شهریور، برای نخستین‌بار شعار تشکیل جمهوری به



نقش سینما در تغییر نگاه جامعه به معلولیت

■ به نقل از دبیرخانه دائمی جشنواره، نشست خبری هفتمین دوره جشنواره فیلم پرواز ویژه مسائل معلولیت، روز یکشنبه ۱۵ شهریور با حضور اعضای تیم برگزاری جشنواره، اصحاب رسانه، جمعی از هنرمندان و خانواده زنده‌یاد اکبر عبدی برگزار شد.

این نشست با ادای احترام به یاد و نام این هنرمند پیشکسوت آغاز شد. در ابتدای مراسم از خانواده اکبر عبدی تجلیل شد. همچنین سردیس زنده‌یاد اکبر عبدی و تابلوی نقاشی چهره این هنرمند به خانواده وی اهدا شد.

بابک نوری دبیر اجرایی هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم پرواز، در این نشست ضمن تشریح روند اجرایی و برنامه‌های هفتمین دوره جشنواره، بر رویکرد فرهنگی و اجتماعی «پرواز» تأکید کرد.

نوری با اشاره به برنامه‌های ویژه این دوره، از تجلیل از ۱۰ هنرمند که با ایفای نقش افراد دارای معلولیت در آثار سینمایی و نمایشی در فرهنگسازی و تغییر نگاه جامعه نسبت به معلولیت مؤثر بوده‌اند، خبر داد.

وی همچنین به تجلیل از آثار برگزیده جشنواره و معرفی و تجلیل از افراد موفق و توانمند دارای معلولیت به عنوان دیگر بخش‌های مهم برنامه‌های این دوره اشاره کرد.

دبیر اجرایی جشنواره تأکید کرد که «پرواز» تلاش می‌کند میان سینما و جامعه پلی تازه ایجاد کند؛ پلی که در آن افراد دارای معلولیت نه در حاشیه، بلکه در متن فرهنگ، هنر و جامعه دیده شوند و روایت موفقیت و توانمندی آنها به‌الگویی برای تغییر نگاه عمومی تبدیل شود.

■

فاتحه امیری رئیس و دبیر علمی جشنواره، نیز در این نشست با اشاره به ظرفیت گسترده سینما در فرهنگسازی، بر نقش این هنر در شکستن کلیشه‌ها، کاهش فاصله‌های اجتماعی و افزایش آگاهی جامعه نسبت به مسائل افراد دارای معلولیت تأکید کرد.

امیری با بیان اینکه سینما تنها روایتگر واقعیت نیست، بلکه می‌تواند در ساختن نگاه جامعه نیز نقش داشته باشد، اظهار کرد که تصویر درست و انسانی از معلولیت می‌تواند بسیاری از برداشت‌های کلیشه‌ای و نگاه‌های ترجم‌آمیز را تغییر دهد و زمینه را برای پذیرش و مشارکت بیشتر افراد دارای معلولیت فراهم کند.

وی فلسفه جشنواره پرواز را فراتر از برگزاری یک رویداد سینمایی دانست و با تأکید بر مفهوم نام جشنواره گفت: پرواز بیش از آنکه نیازمند بال باشد، نیازمند باور است.

مریم رحیمی داور دارای معلولیت جشنواره، نیز با اشاره به اهمیت حضور افراد دارای معلولیت در عرصه فرهنگ و هنر، بر ضرورت ایجاد فرصت‌های برابر برای مشارکت حرفه‌ای آنها تأکید کرد.

وی نقش جشنواره پرواز را در فرهنگسازی و تغییر نگاه جامعه مهم دانست و حضور افراد دارای معلولیت در جایگاه هنرمند، داور و صاحب‌نظر را گامی مؤثر و اقدامی ماندگار برای عبور از نگاه کلیشه‌ای و ترجم‌آمیز عنوان کرد.

احمد پاکپور کیسمی مزرعه، سازنده تندیس این دوره جشنواره درباره روند ساخت تندیس جشنواره و سردیس هنرمندان توضیحاتی ارائه کرد و بر نقش هنر در ثبت و ماندگار کردن چهره‌های تأثیرگذار فرهنگی و هنری تأکید داشت.

در ادامه مراسم مجتبی بیگدلی حامی مالی جشنواره، درباره تجربه‌های تخصصی خود و تیم همراهش در حوزه درمان سخن گفت و بر اهمیت توجه به ابعاد روانی و اجتماعی افراد دارای معلولیت تأکید کرد.

وی همچنین ظرفیت هنر را در ایجاد ارتباط، افزایش امید و حمایت از فرآیندهای درمانی و توانبخشی مورد توجه قرار داد.

در بخش پایانی نشست، با حضور خانواده زنده‌یاد اکبر عبدی، از پوستر و تندیس هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم پرواز رونمایی شد.

هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم پرواز ویژه مسائل معلولیت به دبیری علی نصیریان و با داوری جمعی از استادان و هنرمندان سینمای برگزار می‌شود. در این دوره، فاتحه امیری دبیر علمی، بابک نوری دبیر اجرایی و ابوالفضل جلیلی دبیر بین‌الملل جشنواره هستند.



اختصاص ۱.۵ همت برای اشتغال‌زایی

محسن ضیایی مدیرعامل و عضو هیأت‌مدیره صندوق کارآفرینی امید، در مراسم اجرای تفاهم‌نامه میان وزارت ورزش و جوانان و صندوق کارآفرینی امید، اظهار کرد: اجرای این تفاهم‌نامه با هدف تسهیل مسیر دسترسی جوانان به منابع مالی و حمایت از طرح‌های اشتغال‌زایی، توسعه‌ای و سرمایه‌ر در گردش دنبال می‌شود. وی با اشاره به نقش وزارت ورزش و جوانان و صندوق کارآفرینی امید در اجرای این تفاهم‌نامه افزود: وزارت ورزش و جوانان به عنوان واگذارکننده اعتبار و صندوق کارآفرینی امید به عنوان تأمین‌کننده بخشی از منابع مورد نیاز متقاضیان و عامل پرداخت تسهیلات، در راستای حمایت از اشتغال جوانان همکاری خواهند کرد.

مدیرعامل صندوق کارآفرینی امید ادامه داد: امیدواریم اجرای این طرح صرفاً به راه‌اندازی یک سامانه محدود نشود، بلکه بتواند مسیر جوانان را از ایده تا اشتغال و از انگیزه تا فرصت کوتاه‌تر و

هموارتر کند.

ضیایی با بیان اینکه جوانان کشور بیش از حمایت به فرصت نیاز دارند، گفت: وظیفه ما در صندوق کارآفرینی امید این است که دسترسی جوانان به فرصت‌های اشتغال و کارآفرینی را ساده‌تر، شفاف‌تر و هدمندتر کنیم.

وی اظهار امیدواری کرد که این سامانه بتواند به تسهیل مسیر اشتغال پایدار، کارآفرینی و توانمندسازی جوانان منجر شود و افزود: جوانان این سرزمین منتظر فرصت هستند و باید زمینه حضور و فعالیت مؤثر آنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی فراهم شود. تسهیلات ارزان‌قیمت در اختیار جوانان قرار می‌گیرد

مدیرعامل صندوق کارآفرینی امید با اشاره به منابع پیش‌بینی‌شده برای اجرای این طرح گفت: یک‌هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان، معادل ۱.۵ همت، از محل کمک‌های فنی و اعتباری وزارت ورزش و جوانان برای حمایت از اشتغال جوانان اختصاص یافته است.

ضیایی افزود: صندوق کارآفرینی امید نیز موظف است بخش باقی‌مانده منابع مالی مورد نیاز برای پرداخت تسهیلات به متقاضیان را از طریق ظرفیت‌های خود و سایر تأمین‌کنندگان مالی فراهم کند.

وی ادامه داد: تلاش می‌کنیم تسهیلات ارزان‌قیمت در اختیار جوانانی قرار گیرد که در قالب اشخاص حقیقی و حقوقی، طرح‌های ایجاد، توسعه‌ای و سرمایه‌ر در گردش خود را برای ایجاد یا توسعه کسب‌وکار دنبال می‌کنند.

مدیرعامل صندوق کارآفرینی امید همچنین بر ضرورت پرداخت به‌موقع تسهیلات تأکید کرد و گفت: امیدواریم با پرداخت به‌موقع منابع به جوانان، بتوانیم زمینه رقم خوردن اتفاقات مؤثر و افزایش سهم این قشر در فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی را فراهم کنیم.

رسانه‌ها در شناسایی مشکلات طرح‌ها کمک کنند

ضیایی با اشاره به نقش رسانه‌ها در اجرای موفق این طرح اظهار کرد: امیدواریم از ظرفیت اصحاب رسانه علاوه بر اطلاع‌رسانی و تبلیغات، برای دریافت بازخوردها و شناسایی مشکلات و موانع موجود نیز استفاده کنیم.

وی افزود: رسانه‌ها می‌توانند با انتقال بازخوردهای جامعه و متقاضیان، صندوق کارآفرینی امید را در شناسایی و کاهش مشکلات و معضلات موجود یاری کنند تا اجرای این طرح با اثربخشی بیشتری همراه باشد.

مدیرعامل صندوق کارآفرینی امید در پایان ابراز امیدواری کرد که اجرای این تفاهم‌نامه بتواند آینده روشن‌تری را برای جوانان کشور رقم زند و زمینه اشتغال پایدار و توانمندسازی هرچه بیشتر آنان را فراهم کند.

در ادامه حجت‌الاسلام حسن‌خانی با اشاره به اهمیت توجه به جوانان گفت: جوانان شریان و محور اصلی هر جامعه‌ای هستند و همواره مورد تأکید و توجه ویژه امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب قرار داشته‌اند.

وی افزود: من معتقدم جوانان نیازمند هدایت به معنای دستوری نیستند؛ آنچه جوانان در مسیر حرکت خود به آن نیاز دارند، رفع موانع و تسهیل‌گری است. اگر بتوانیم چالش‌های پیش روی آنان را برداریم و مسیر را برای فعالیت و نقش‌آفرینی‌شان هموار کنیم، ظرفیت‌های ویژه جوانان بیش از گذشته شکوفا خواهد شد.

حسن‌خانی با تأکید بر ضرورت توجه به اشتغال‌زایی جوانان اظهار کرد: امروز اشتغال جوانان و تسهیل‌گری در بخش‌های مختلف، از جمله تأمین اعتبار و منابع مالی، از مهم‌ترین نیازهای جامعه است و ما در برابر جوانان که صاحبان اصلی آینده ایران و انقلاب هستند، مسئولیت داریم.

وی با قدردانی از پیگیری‌های مسئولان حوزه جوانان گفت: در این حوزه کارهای عقب‌مانده فراوانی وجود دارد و خوشبختانه امروز با همکاری مجموعه‌های مختلف، اقداماتی برای ایجاد بسترها و پلتفرم‌هایی با محوریت جوانان در حال شکل‌گیری است.

حسن‌خانی ادامه داد: جوانان همواره یک فرصت و ظرفیت ویژه برای اعتلای ایران اسلامی بوده‌اند و کمترین وظیفه ما این است که قدردان این ظرفیت باشیم و موانع فعالیت آنان را برطرف کنیم.

وی با بیان اینکه وزارت ورزش و جوانان، وزارتخانه‌ای با مأموریت ویژه در خدمت به نسل جوان است، افزود: امیدواریم دکتر رحیمی و همکارانشان بتوانند دغدغه‌مندی نسبت به مسائل جوانان و تسهیل امور آنان را به یکی از اولویت‌های اصلی خود تبدیل کنند.

وی خاطرنشان کرد: رئیس‌جمهور نیز بارها تأکید کرده‌اند که مسئله جوانان باید به عنوان یکی از مسائل اصلی کشور مورد توجه قرار گیرد و وزیر ورزش و جوانان نیز بر حل مسائل و رفع مشکلات حوزه جوانان تأکید دارد.

در ادامه حجت‌الاسلام حسن‌خانی با اشاره به اهمیت توجه به جوانان گفت: جوانان شریان و محور اصلی هر جامعه‌ای هستند و همواره مورد تأکید و توجه ویژه امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب قرار داشته‌اند.

نظر کارشناسان بانکی جایگزین تشخیص قضایی نمی‌شود

دعای حقوقی ندارد.

قاضی متخصص چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

قربانی درباره معیارهای تخصص قضات مجتمع‌های جدید نیز گفت: برخورداری از تحصیلات عالی حقوقی، به‌ویژه در حوزه حقوق خصوصی، امور بانکی و مسائل اقتصادی، یکی از مبانی انتخاب قضات است؛ اما نباید تخصص را صرفاً به مدرک تحصیلی محدود کرد.

رئیس کل محاکم تهران ادامه داد: تجربه عملی و آشنایی با مسائل بانکی نیز اهمیت زیادی دارد و ضروری است قضات پیش از شروع به کار و در طول فعالیت خود از آموزش‌های تخصصی اساتید حوزه‌های مالی، اقتصادی و بانکی بهره‌مند شوند.

به گفته وی، استمرار آموزش، بررسی آرای صادرشده و بهره‌گیری از تجربه محاکم عالی و دیوان عالی کشور می‌تواند به ارتقای دانش و تجربه قضات این مجتمع‌ها کمک کند.

آمادگی بانک مرکزی برای آموزش قضات و کارکنان

در ادامه، اجتهادی با اشاره به اقدامات بانک مرکزی برای راه‌اندازی مجتمع تخصصی قضا، بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور آمادگی دارند در زمینه آموزش قضات و کارکنان این مجتمع همکاری کنند. وی افزود: در ساختمانی که برای تشکیل مجتمع تخصصی دعای پولی و بانکی در تهران در نظر گرفته شده، پیش‌بینی شده است که موضوعات حقوقی و کیفری مرتبط با حوزه بانکی در یک مجموعه تخصصی مورد رسیدگی قرار گیرد.

اجتهادی با اشاره به اهمیت آموزش قضات اظهار کرد: بانک مرکزی آمادگی دارد امکانات و فضای آموزشی مورد نیاز را فراهم کرده و با همکاری شبکه بانکی، ظرفیت‌های لازم برای آموزش کادر قضایی و اداری مجتمع را در اختیار قرار دهد.

وی همچنین بر ضرورت توجه به مبانی قانونی دستورالعمل تأکید کرد و گفت: در برخی مواد دستورالعمل، استانداردهای قانونی مختلفی از جمله قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار و قانون بانک مرکزی مطرح شده که لازم است نسبت میان این مستندات با موضوعات پیش‌بینی‌شده در دستورالعمل به‌دقت مورد بررسی قرار گیرد.

تخصصی‌شدن مجتمع تنها با تغییر محل و عنوان شعب محقق نمی‌شود

در ادامه، مهرطلب با تشریح اهداف دستورالعمل گفت: هدف از ایجاد مجتمع تخصصی، افزایش سرعت و دقت در رسیدگی به دعای بانکی و تجاری، صیانت از امنیت کسب‌وکار، حمایت از تولید و ارتقای امنیت اقتصادی است.

وی افزود: برای تحقق این اهداف باید از اطاله دادرسی، ناآشنایی قضات با مقررات تخصصی، ضعف ارتباط میان دانش بانکی و دانش قضایی، تعدد آرا و اختلاف در محاسبات کارشناسی جلوگیری کرد و به سمت ایجاد رویه واحد حرکت کرد.

مهرطلب تأکید کرد: صرف ایجاد یک مجتمع با چند شعبه و تغییر محل استقرار شعب نمی‌تواند مشکلات موجود را برطرف کند. تخصصی‌شدن باید یک فرآیند مستمر باشد و آموزش، نشست‌های تخصصی، شناسایی خلأهای قانونی، استفاده از ظرفیت دایری و میانجی‌گری و بهره‌گیری از هیئت‌های مستشاری را دربرگیرد. قراردادهای بانکی؛ یکی از ارکان مهم کاهش اختلافات

نشست بررسی دستورالعمل ایجاد شعب و مجتمع‌های تخصصی رسیدگی به دعای تجاری و بانکی با حضور جمعی از صاحب‌نظران حوزه بانکی و قضایی برگزار شد و حاضران در این نشست ضمن بررسی ضرورت ایجاد مجتمع‌های تخصصی، بر لزوم تخصصی‌شدن فرآیند رسیدگی، آموزش قضات و کارشناسان و حفظ استقلال قضایی تأکید کردند.

در این نشست، مدیر دعای و اجرای بانک پارسیان با اشاره به سابقه فعالیت دادرسی تخصصی رسیدگی به جرایم پولی و بانکی، درباره ضرورت ایجاد شعب و مجتمع‌های تخصصی برای رسیدگی به دعای تجاری و بانکی سؤال کرد و خواستار تبیین تفاوت این مجتمع‌ها با ساختارهای موجود شد.

ضرورت تخصصی‌سازی فرآیند رسیدگی

ربیع اله قربانی، رئیس کل محاکم تهران در پاسخ به این موضوع، ایجاد مجتمع‌های تخصصی رسیدگی به دعای تجاری و بانکی را دارای مبانی قانونی دانست و اظهار کرد: این اقدام در اجرای ماده ۳۵ قانون بانک مرکزی پیش‌بینی شده و اگرچه در راه‌اندازی آن به دلیل برخی مشکلات ساختاری و مسائل مربوط به محل استقرار تأخیر ایجاد شده است، اصل ایجاد این مجتمع‌ها یک ضرورت قانونی است.

وی افزود: فلسفه ایجاد مجتمع‌های تخصصی، اقدامی مهم در مسیر تخصصی‌سازی دادرسی اقتصادی است؛ اما نباید نتیجه راه‌اندازی این مجتمع صرفاً تغییر عنوان شعب یا تمرکز پرونده‌های مرتبط با امور بانکی باشد.

رئیس کل محاکم تهران تأکید کرد: تخصصی‌شدن باید تمام فرآیند دادرسی را دربرگیرد؛ از نحوه ارجاع پرونده و انتخاب قاضی گرفته تا استفاده از کارکنان، کارشناسان و حتی داورزانی که در مرحله اجرای احکام فعالیت می‌کنند.

وی با بیان اینکه تأمین منابع انسانی متخصص و آموزش مستمر این نیروها از الزامات اجرای موفق این دستورالعمل است، گفت: کارشناسانی که در این پرونده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند باید از نظر فنی و تخصصی توانایی لازم را داشته باشند تا ضمن ارشاد فنی قاضی، استقلال مقام قضایی نیز کاملاً حفظ شود.

قربانی همچنین پیشنهاد کرد قضات مجتمع تخصصی علاوه بر ابلاغ ریاست شعبه، ابلاغ دادرس علی‌البدل نیز داشته باشند تا مدیریت مجتمع بتواند در صورت ضرورت نسبت به جابه‌جایی و مدیریت نیروها اقدام کند.

وی هشدار داد: اگر مجتمع تخصصی صرفاً با تعدادی شعبه و رؤسای ثابت تشکیل شود و امکان مدیریت مؤثر بر جابه‌جایی و ارجاع پرونده‌ها وجود نداشته باشد، ممکن است در بلندمدت مشکلات مدیریتی ایجاد شود.

تفاوت دعای حقوقی و جرایم بانکی

در ادامه این نشست، درباره ارتباط مجتمع‌های تخصصی دعای تجاری و بانکی با دادرسی ناحیه ۳۲ تهران که سال‌هاست به جرایم پولی و بانکی رسیدگی می‌کند، توضیح داده شد که این دو ساختار از نظر موضوعی در عرض یکدیگر قرار دارند.

حاضران تأکید کردند که موضوع اصلی دستورالعمل جدید، تخصصی‌شدن رسیدگی‌های حقوقی و تجاری است و وجود دادرسی تخصصی جرایم پولی و بانکی تعارضی با ایجاد مجتمع‌های تخصصی

همتیار؛ گذار از دریافت‌کننده خدمت به کنشگر اجتماعی محله



مدیرکل دفتر امور خانواده و بانوان بهزیستی کشور از ابلاغ راهنمای اجرای طرح «مراقبت‌های اجتماعی محله‌محور» به استان‌های سراسر کشور خبر داد.

به نقل از سازمان بهزیستی کشور، مریم خاک‌رنگین، مدیرکل دفتر امور خانواده و بانوان سازمان بهزیستی کشور، گفت: این طرح از برنامه‌های تحولی سازمان بهزیستی در حوزه پیشگیری و مراقبت اجتماعی است که با تمرکز بر ظرفیت‌های درون جامعه و مشارکت مردم، الگوی جدیدی را برای شناسایی زودهنگام، حمایت و ارجاع خانواده‌ها دنبال می‌کند.

وی افزود: همتیار را باید در چارچوب تحول رویکرد در نظام مراقبت اجتماعی دید؛ تحولی از مداخله پس از بروز مسئله به سمت پیشگیری، شناسایی زودهنگام و مراقبت مستمر در بستر طبیعی زندگی مردم. خاک‌رنگین گفت: ادبیات علمی حوزه Community-Based و Peer Support نشان می‌دهد که وقتی ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی خود جامعه در فرآیند مراقبت فعال می‌شوند، امکان ایجاد اعتماد، دسترسی بهتر به خدمات، تقویت خودکارآمدی و افزایش پیوند فرد با شبکه‌های حمایتی فراهم می‌شود. البته این مشارکت زمانی اثربخش است که در یک نظام مشخص، آموزش‌دیده و متصل به خدمات تخصصی تعریف شود. وی با تأکید بر تفاوت رویکرد همتیار با ارائه خدمات تخصصی، اظهار کرد: همتیار متخصص نیست و قرار نیست جایگزین مددکار اجتماعی، روان‌شناس یا سایر متخصصان شود. نقش او ایجاد یک حلقه ارتباطی مؤثر میان خانواده، محله و نظام خدمات است؛ یعنی دیدن، شنیدن، شناسایی نشانه‌های هشدار، حمایت پایه، پیگیری و در صورت نیاز، ارجاع به‌موقع.

بهره‌گیری از ظرفیت جامعه هدف؛ وجه تمایز «همتیار»

مدیرکل دفتر امور خانواده و بانوان بهزیستی کشور با اشاره به وجه تمایز این طرح، گفت: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های همتیار، بهره‌گیری از ظرفیت جامعه هدف سازمان بهزیستی به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی است. ما در اینجا صرفاً با یک مدل خدمت‌رسانی مواجه نیستیم؛ بلکه تلاش می‌کنیم بخشی از افرادی را که خود تجربه‌یسته مسائل اجتماعی را دارند، پس از آموزش و توانمندسازی، به کنشگران مؤثر در شبکه مراقبت اجتماعی تبدیل کنیم.

وی ادامه داد: این تغییر نگاه بسیار مهم است؛ زیرا فرد یا خانواده‌ای که تا پیش از این عمدتاً در جایگاه دریافت‌کننده خدمت دیده می‌شد، می‌تواند در شرایط مناسب، به منبعی برای حمایت، انتقال تجربه، اعتمادسازی و تقویت تاب‌آوری اجتماعی در محله تبدیل شود.

خاک‌رنگین، افزود: این نگاه با مفهوم توانمندسازی و مشارکت معنادار جامعه همخوان است؛ یعنی به جای طراحی همه راحل‌ها از بیرون، بخشی از ظرفیت حل مسئله را در خود جامعه جست‌وجو می‌کنیم.

همتیار؛ یک حلقه در زنجیره مراقبت اجتماعی

وی با تأکید بر ضرورت مرزبندی نقش‌ها، گفت: یکی از اصول اساسی طرح این است که همتیار را نباید با نیروی تخصصی اشتباه گرفت. همتیار در نقطه‌ای فعالیت می‌کند که نظام رسمی خدمات معمولاً دسترسی محدودتری به آن دارد؛ یعنی زندگی روزمره خانواده و روابط اجتماعی محله.

به گفته خاک‌رنگین، این حلقه می‌تواند فاصله زمانی و اجتماعی میان بروز یک مسئله و دریافت حمایت را کاهش دهد و موارد نیازمند مداخله تخصصی را زودتر به نظام خدمات متصل کند.

الگوی بومی با بهره‌گیری از تجربه جهانی

مدیرکل دفتر امور خانواده و بانوان بهزیستی کشور در پاسخ به این پرسش که آیا نمونه‌های مشابه این مدل در سایر کشورها وجود دارد، گفت: اصل استفاده از نیروهای جامعه‌محور و حمایت هم‌تا در ادبیات بین‌المللی سابقه دارد و مطالعات متعددی نیز اثربخشی بالقوه این رویکردها را بررسی کرده‌اند؛ اما همتیار را نمی‌توان کپی یک مدل خارجی دانست.

وی تصریح کرد: آنچه در همتیار اهمیت دارد، بومی‌سازی این

رویکرد در ساختار اجتماعی و خدماتی کشور و به‌طور مشخص، پیوند آن با ظرفیت‌های سازمان بهزیستی کشور، جامعه هدف، تسهیلاتگران اجتماعی، گروه‌های خودیاری و نظام ارجاع تخصصی است.

خاک‌رنگین، ادامه داد: این طرح در مرحله نخست با حضور ۳۱ استان، ۱۴۴ محله و ۲۰۰ همتیار منتخب و آموزش‌دیده وارد مرحله اجرا شده است و آموزش، پایش، ثبت اطلاعات و ارزیابی آن به‌صورت مستمر دنبال خواهد شد.

وی خاطرنشان کرد: هدف نهایی این است که مراقبت اجتماعی از یک فرآیند صرفاً سازمان‌محور فاصله بگیرد و به یک شبکه چندلایه و محله‌محور تبدیل شود؛ شبکه‌ای که در آن خانواده، همتیار، تسهیلاتگر، متخصص و ظرفیت‌های اجتماعی محله، هر کدام نقش مشخصی در پیشگیری و حمایت ایفا می‌کنند.

مستمر دنبال خواهد شد. اگر بتوانیم این پیوند را به‌درستی ایجاد کنیم، همتیار فقط یک عنوان برای یک نقش جدید نخواهد بود؛ بلکه می‌تواند بخشی از یک پارادایم جدید در مراقبت اجتماعی باشد؛ پارادایمی که در آن مردم، نه صرفاً مخاطب خدمات، بلکه بخشی از ظرفیت حل مسئله جامعه خود هستند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهوویی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | امیررضا شفاپی
روابط عمومی | جهانگیر توسلی
تلفن | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۱۸ _ ۰۹۹۳۱۳۲۶۶۳۴ آگهی‌ها | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۱۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۳۸۴



خیابان وگلوله

۱۷ شهریور ۱۳۵۷ را نمی‌توان از چند روز قبلش جدا کرد. «جمعه سیاه» ناگهان از دل یک صبح شهری بیرون نیامد؛ پشت آن، ماهها اعتراض، اعتصاب، راهپیمایی و افزایش فاصله میان مردم و حکومت پهلوی قرار داشت.



تسهیلات اشتغال‌زایی جوانان

محسن ضیایی مدیرعامل و عضو هیأت‌مدیره صندوق کارآفرینی امید، در مراسم اجرای تفاهمنامه میان وزارت ورزش و جوانان و صندوق کارآفرینی امید، اظهار کرد: اجرای این تفاهمنامه با هدف تسهیل مسیر دسترسی جوانان به منابع مالی و حمایت از طرح‌های اشتغال‌زایی



هماهنگی تیم ملی و خاتون بم را دنبال می‌کنیم!

به گزارش سایت رسمی فدراسیون فوتبال، فریده شجاعی نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال در امور بانوان درباره شرایط پیش‌روی تیم ملی فوتبال بانوان و خاتون بم اظهار داشت: در حال حاضر برنامه مسابقات تیم ملی فوتبال بانوان به جز فیفادی‌ها، مسابقه رسمی دیگری ندارد، اما خاتون بم به‌عنوان نماینده ایران در لیگ قهرمانان بانوان آسیا باید در این رقابت‌ها حضور پیدا کند و طبیعتاً برنامه این دو تیم در مقطع فعلی متفاوت است. وی ادامه داد: مرضیه جعفری که سرمربی تیم ملی فوتبال بانوان است، هدایت خاتون بم را نیز بر عهده دارد و با توجه به حضور این تیم در لیگ قهرمانان بانوان آسیا، شرایط و برنامه‌های خاتون بم اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. از طرف دیگر، نبود مسابقات رسمی برای تیم ملی در این مقطع، فرصت مناسبی است تا برنامه‌های تیم ملی متناسب با فیفادی‌ها و نیازهای تیم دنبال شود.

شجاعی افزود: حضور خاتون بم در لیگ قهرمانان بانوان آسیا اتفاق مهمی برای فوتبال بانوان ایران است و امیدواریم این تیم بتواند با آمادگی مناسب در این رقابت‌ها حاضر شود. طبیعتاً این مسابقات برای بازیکنان تیم ملی که در ترکیب خاتون حضور دارند نیز تجربه ارزشمندی خواهد بود و می‌تواند به آمادگی و افزایش تجربه بین‌المللی آنها کمک کند.

نایب‌رئیس فدراسیون در امور بانوان گفت: تلاش ما این است که با توجه به تفاوت برنامه‌های تیم ملی و خاتون بم، هماهنگی لازم میان دو مجموعه وجود داشته باشد و هر کدام بتوانند در شرایط مطلوب به کار خود ادامه دهند.

شجاعی در پایان برای نماینده ایران در لیگ قهرمانان بانوان آسیا آرزوی موفقیت کرد و گفت: برای مرضیه جعفری و بازیکنان خاتون بم در این رقابت‌ها آرزوی موفقیت داریم و امیدواریم حضور این تیم در آسیا با نتایج خوب همراه باشد و بتواند نماینده شایسته‌ای برای فوتبال بانوان ایران باشد.



بازیکن سابق رئال به اروپا بازمی‌گردد

❶ خامس رودریگز، بازیکن سابق رئال مادرید و تیم ملی کلمبیا، در آستانه بازگشت به فوتبال اروپا قرار دارد و مذاکرات او با باشگاه اولینو ایتالیا به مراحل پایانی رسیده است. طبق اعلام روزنامه «مارکا»، اولینو که در سری B ایتالیا حضور دارد و هدایت آن را الساندرو نستا مدافع اسطوره‌ای فوتبال ایتالیا بر عهده دارد، مذاکرات پیشرفته‌ای را با خامس رودریگز انجام داده و دو طرف به توافق نهایی بسیار نزدیک شده‌اند. خامس رودریگز که در حال حاضر بازیکن آزاد است در روزهای اخیر با مسئولان باشگاه اولینو در حال مذاکره بوده و حتی نستا نیز به صورت مستقیم با این بازیکن کلمبیایی گفت‌وگو کرده است. مواضع دو طرف به یکدیگر نزدیک است و تنها موضوع مربوط به مسائل مالی و نهایی شدن ارقام قرارداد باقی مانده است. بر این اساس، احتمال دارد قرارداد این بازیکن به زودی رسمی شود. خامس رودریگز پس از جدایی از مونترال ایمپکت در لیگ فوتبال آمریکا (MLS) در این پنجره نقل‌وانتقالاتی مورد توجه چند باشگاه قرار داشت، اما در نهایت با بسته شدن بازار نقل‌وانتقالات، همچنان بدون تیم باقی ماند. با این حال، به دلیل آزاد بودن قراردادش، او همچنان می‌تواند با باشگاه جدیدی به توافق برسد و فعالیت خود را ادامه دهد.

طرح توسعه رشته‌های بومی را به وزارت ورزش ارائه می‌کنیم

شد طرح و پروپوزال مشخصی تهیه و به وزارت ورزش و جوانان ارائه شود.وی در ادامه خاطرنشان کرد: اگر ۸ یا ۹ فدراسیون در این برنامه مشارکت داشته باشند وزارت ورزش می‌تواند اعتبار مورد نیاز را متناسب با ساختار اجرایی به یک فدراسیون اختصاص دهد یا از چند فدراسیون حمایت کند. در هر صورت اجرای این طرح نیازمند حمایت وزارت ورزش در قالب یک برنامه ملی است.

توسعه «هفت‌سنگ» در دستور کار فدراسیون

رئیس فدراسیون ورزش روستایی، عشایری و بازی‌های بومی محلی درباره برنامه‌های پیش‌روی این فدراسیون اظهار کرد: رشته‌های مختلفی زیرمجموعه فعالیت‌های ما قرار دارند و یکی از برنامه‌های پیش‌رو اعزام تیم تیراندازی با کمان روی اسب به عمان برای حضور در رقابت‌های انتخابی جام جهانی است که این اعزام در شهریورماه انجام خواهد شد. پسندیده ادامه داد: در کنار برنامه‌های برون‌مرزی توسعه رشته‌هایی که برای نخستین بار در بازی‌های جهانی حضور پیدا کردند نیز در دستور کار قرار دارد. برای مثال قصد داریم در ماه‌های آینده مسابقات قهرمانی کشور «هفت‌سنگ» را در رده‌های سنی مختلف برگزار کنیم. وی افزود: اگر «هفت‌سنگ» بتواند مجوز حضور در فهرست رشته‌های بازی‌های جهانی را به دست آورد تلاش می‌کنیم تیم ملی قدرتمندی برای حضور در این رقابت‌ها تشکیل دهیم.

هدف‌گذاری برای حضور در جام جهانی

پسندیده درباره هدف فدراسیون از حضور در رقابت‌های انتخابی جام جهانی در عمان نیز گفت: حضور در بازی‌های جهانی عشایری انگیزه زیادی برای ورزشکاران رشته‌های مختلف ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد ورزشکاران از نظر روحی و فنی آمادگی لازم را دارند و امیدواریم بتوانند در عمان نیز عملکرد خوبی داشته باشند و مجوز حضور در جام جهانی را کسب کنند.

وی در ادامه خاطرنشان کرد: یکی از اتفاقات مثبت این دوره دیده شدن رشته‌های ورزشی مرتبط با حوزه ورزش روستایی و عشایری بود. رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها نیز در پوشش این مسابقات همراهی خوبی داشتند و همین موضوع باعث شد این رشته‌ها بیشتر به مردم معرفی شوند. رئیس فدراسیون ورزش روستایی، عشایری و بازی‌های بومی محلی تصریح کرد: هرچه این رشته‌ها بیشتر دیده شوند میزان مشارکت مردم نیز افزایش پیدا می‌کند و در نتیجه می‌توانیم ورزشکاران مستعد بیشتری شناسایی کنیم و تیم‌های ملی قدرتمندتری داشته باشیم.

علیرضا پسندیده درباره نتایج ایران در بازی‌های جهانی عشایری اظهار کرد: نسبت به دوره‌های گذشته پیشرفت خوبی داشتیم و توانستیم جایگاه ایران را از رتبه هفتم به چهارم ارتقا دهیم. در مجموع نیز ۱۵ مدال شامل چهار مدال طلا، سه نقره و هشت مدال برنز کسب کردیم. وی در ادامه خاطرنشان کرد: کیفیت رقابت‌های این دوره نسبت به دوره‌های گذشته بالاتر بود. همزمانی این مسابقات با نشست سران سازمان همکاری شانگهای و حضور حدود ۲۰ رئیس‌جمهور در مراسم افتتاحیه باعث شد کشورهای مختلف با قدرت بیشتری در این رویداد حاضر شوند. رئیس فدراسیون ورزش روستایی، عشایری و بازی‌های بومی محلی افزود: طبق صحبت‌هایی که با مربیان و ورزشکاران داشتیم و همچنین بر اساس مشاهدات خودمان رقابت‌ها از نظر ورزشی بسیار سخت بود و ورزشکاران برای کسب مدال باید با رقبای قدرتمندی رقابت می‌کردند. در رشته تیراندازی سنتی ورزشکاران ما مقابل رقبایی قرار گرفتند که سابقه کسب عناوین جهانی داشتند و در میچ‌اندازی نیز قهرمانان جهان حضور داشتند.

تلاش برای توسعه رشته‌های بومی در داخل کشور

پسندیده درباره برنامه فدراسیون برای توسعه رشته‌هایی که در بازی‌های جهانی عشایری حضور داشتند، گفت: یکی از اقدامات خوب ما این بود که روسای فدراسیون‌های مرتبط با این رشته‌ها را نیز همراه خود کردیم. دوستان در جریان مسابقات با ظرفیت این رویداد و تأثیر رشته‌های مختلف آن بر ورزش کشور بیشتر آشنا شدند. وی ادامه داد: با روسای فدراسیون‌ها به توافق رسیدیم که پیش از برگزاری دوره بعدی بازی‌های جهانی یک رویداد ملی در داخل کشور برگزار کنیم. قرار است تمام فدراسیون‌های مرتبط در این برنامه مشارکت داشته باشند تا مسابقات در سطح ملی برگزار شود و بهترین ورزشکاران هر رشته برای حضور در رقابت‌های جهانی انتخاب شوند. رئیس فدراسیون ورزش روستایی، عشایری و بازی‌های بومی محلی خاطرنشان کرد: این برنامه می‌تواند شبیه یک مرحله انتخابی باشد؛ به این شکل که ورزشکاران در مسابقات ملی با یکدیگر رقابت کنند و نفرات برتر مجوز حضور در بازی‌های جهانی را به دست بیاورند. در نهایت نیز تیم ملی با آمادگی و قدرت بیشتری راهی مسابقات شود.

تأمین اعتبار نیازمند حمایت وزارت ورزش

پسندیده درباره هزینه‌های برگزاری چنین رویداد ملی نیز گفت: طبیعی است که برگزاری مسابقاتی با حضور چندین فدراسیون نیازمند اعتبار قابل توجهی است. در جریان سفر و در نشست‌هایی که با روسای فدراسیون‌ها داشتیم درباره این موضوع صحبت کردیم و قرار

